

جنگ را از یاد ببریم

از جمله هدفهای جنبه متحد ضد انقلاب در آشوب های اخیر، بویژه در جنایت بزرگ هفتم تیرماه که به شهادت دههاتن از مبارزان راه انقلاب ضد امپریالیستی، مردمی و اسلامی ایران و در رأس همه آیه الله دکتر سید محمد بهشتی منجر شد، منحرف کردن از دهان مردم از دشمن اصلی و از جنگی است که از جانب آمریکا و به دست صدام جنایتکار بر میهن انقلابی ما تحمیل شده است.

اکنون ده ما فاست که دلاوران ارتش و سپاه پاسداران انقلاب، زاندارم و نیروهای داوطلب قهرمانانمان از انقلاب و میهن انقلابی خود دفاع می کنند. ده ماه است که خون عزیزترین جوانان وطن و مردم زحمتکش شهرهای غرب و جنوب مابه خاک می ریزد تا یکی از شوم ترین توطئه های دشمن اصلی انقلاب ایران، امپریالیسم جهانی بسرکردگی آمریکا، خنثی شود. اما پیوستگی حوادث جنگ و آنچه در پهنه ایران می گذرد، دیگر جای تردید باقی نمی گذارد که سرنوشت این جنگ از چارچوب باز پس گرفتن مناطق اشغالی - که بی شک به اراده توده های میلیونی مستضعفان باز ستانده خواهد شد - و بیرون راندن متجاوزان صدامی از مرزهای ایران - که البته رانده خواهند شد - فراتر می رود. جنگ برانگیخته از سوی امپریالیسم تبهکار آمریکا به دست صدام جنایت پیشه، با سرنوشت انقلاب ایران و با آرایش نیروهای ارتجاع و بقیه در صفحه ۱۱

شناخت دوستان و دشمنان انقلاب ایران

تحسین اصل سیاست خارجی ایران است

مهمترین و حساس ترین عرصه های فعالیت دولتی در رابطه با دیگر کشورها است، متأسفانه بمدت ۲ سال در دست نمایندگان سرمایه - داری لیبرال ایران قرار داشت، و سپس با کارشکنی بنی صدر چندین ماه از وزیر مسئول محروم شد تا نتواند کامهای مثبت و موثری در راه تأمین و تحکیم استقلال کشور به پیش بردارد. از این جهت می توان گفت که با انتخاب آقای موسوی به سمت وزیر امور خارجه، وزارت امور

مهمترین و حساس ترین عرصه های فعالیت دولتی در رابطه با دیگر کشورها است، متأسفانه بمدت ۲ سال در دست نمایندگان سرمایه - داری لیبرال ایران قرار داشت، و سپس با کارشکنی بنی صدر چندین ماه از وزیر مسئول محروم شد تا نتواند کامهای مثبت و موثری در راه تأمین و تحکیم استقلال کشور به پیش بردارد. از این جهت می توان گفت که با انتخاب آقای موسوی به سمت وزیر امور خارجه، وزارت امور

خارجه جمهوری اسلامی ایران در واقع تازه متولد می شود و بنابراین وظیفه ای که بر عهده آقای موسوی قرار گرفته، بهمان اندازه سنگین است که می تواند سودمند و افتخار آفرین باشد در تمام مدت درازی که وزارت امور خارجه در جنگ لیبرالها بود - خط وزارت امور خارجه بطور عمد، خط سازش با آمریکا - خط سازش با آمریکا از پنجره - خط قالب زدن آمریکا بعنوان دولتی "پشیمان" از کرده

گذشته خویش و آمانه پذیرش و شناخت انقلاب اسلامی ایران، خط جابجا کردن دوستان و دشمنان خارجی جمهوری اسلامی ایران و بدین وسیله صاف کردن جاده بازگشت امپریالیسم، بسر - کردگی آمریکای هار، جنایت - کار و غارتگر بود. بفرموده امام خمینی: "خط این بود که آمریکا اصلاح منسی (فراموش) بشود، ... شوری را مطرح می - کردند تا آمریکا منسی بشود ... خط این بود که این قضیه مرگ بر آمریکا منسی بشود. بقیه در صفحه ۲

ضربات جدی بر اسلام آمریکایی

رویدادهای مهم اخیر کشور، خط اسلام آمریکائی را از اسلام خمینی پیش متعایل ساخت و خصومت اسلام آمریکائی را با انقلاب ضد امپریالیستی، مردمی و اسلامی میهن ما، مخالفتش را پارهبیری قاطع امام خمینی و دشمنی اش را با مسلمانان انقلابی پیرو خط امام بوضوح آشکار نمود. امپریالیسم جهانی، بسرکردگی آمریکا، زمانی که از حفظ شاه ملعون براریکه قدرت عاجز ماند، مهربانه معتمد خود شاپور بختیار

راه میدان آورد تا بدست او منافع اقتصادی و سیاسی و نظامی و استراتژیکش را حفظ کند و چون در این زمینه توفیق نیافت و رهبری قاطع امام خمینی، بختیار را همچون محمد رضا از عرصه قدرت کنار افکند، نیرو های "مسلمان معتدل و میانه رو" را برای پیشبرد اهداف خود و مسخ انقلاب نشانه - گیری کرده، تا خط سازش را برانقلاب تحمیل نمایند و راه را برای بازگشت امپریالیسم بقیه در صفحه ۲

کارنامه ابوالحسن بنی صدر (۱)

خط بنی صدر بر ضد خط امام

بنی صدر که خود را "بزرگترین اندیشه جهان معاصر" و "تنها مجتهد عالم عصر" می دانست، تقابل با خط امام را از مسائل کوچک آغاز کرد و سرانجام در همه امور در مقابل خط امام قرار گرفت.

اکنون - ۲۲ تیر ۱۳۶۰ - نزدیک به یکماه از عزل ابوالحسن بنی صدر از ریاست جمهوری می گذرد. آن روشنفکر بیمار پاریس نشینی که خود را "بزرگترین اندیشه معاصر جهان" می دانست و به شهادت آنچه قلم زده و آنچه در عمل نشان داده، از کمپایه ترین کسانی است که در قرن اخیر، از بخت بد مردم ما، براریکه قدرت تکیه زده، اکنون بعنوان یکی از خطرناکترین موانع، از سر راه انقلاب رفته شده است.

آن لیسانسیه معقول و منقول که خود را دکتر در اقتصاد خوانده بود و کتاب تضاد و توحید خود را "بزرگترین اثر قرن سی - دانست و با استفاده از فرصت طلایی، بر امواج خون توده ها، تا احراز مقام ریاست جمهوری ایران انقلابی پیش رفت، اکنون با همه دستکاه مائوئیستی - جاسوسی پیرامون خود به زباله دان تاریخ انداخته شده است. این برکناری، که بی کترین شک مایه خرسندی همه نیروهای مدافع انقلاب و جمهوری اسلامی ایران است، متأسفانه با افشاکری کامل خطی که بنی صدر در پی

پیاده کردن آن بود، همراه نبوده است. غیر از سخنان حجت الاسلام موسوی خوئینی ها و حجت الاسلام سید علی خامنه ای در جلسه علنی مجلس و معدودی مقاله گسترده در این روزنامه و آن نشریه، هنوز در باره "سیاست بنی صدر سخن اصلی گفته نشده است. و این در حالیکه که آشنائی با خط بنی صدر و افشای ویژگیهای آن، به مردم قهرمان ایران توان افزونتری در شناخت دقیق تر دشمنان هزارچهره خود خواهد داد.

"اتحاد مردم" بر آنست که این وظیفه را در حد توانائی خود به انجام برساند. در آنچه از این شماره بعد می خوانید، سعی خواهد شد خطوط اصلی "خط بنی صدر" و سیاست او کاملاً عریان در معرض قضاوت خوانندگان گرامی قرار بگیرد. مطالبی که تحت عنوان "خط بنی صدر" خواهد آمد، بر اساس نوشته های خود او تنظیم شده و از حوادث و اظهار نظرها و افشاکری های دیگران تنها برای ربط خطوط مختلف سیاست بنی صدر استفاده شده است.

* * *
می توان گفت که مهمترین ویژگی "خط بنی صدر" مقابله این خط با "خط امام" بود. با توجه به ویژگی روانی ابوالحسن بقیه در صفحه ۱۱

طرح قانونی فعالیت احزاب، جمعیت ها، انجمن های سیاسی و صنفی

مجلس شورای اسلامی سرانجام در جلسه مورخ ۱۸ تیرماه ۶۰، طرح قانونی فعالیت احزاب، جمعیت ها، انجمن های سیاسی و صنفی را با اکثریت ۱۱۱ رأی به تصویب رسانید.

مجلس شورای اسلامی در شرایطی به بررسی و تصویب قانونی در مورد فعالیت "احزاب، جمعیت ها، انجمن های سیاسی و صنفی، پرداخت که انقلاب ایران لحظات بسیار حساسی را می گذراند که در آن جنبه کلیه نیروهای مخالف جمهوری اسلامی ایران، به سرکردگی امپریالیسم آمریکا،

تلاش گسترده ای را برای منهدم ساختن انقلاب و به شکست کشاندن آن آغاز کرده اند چنین شرایط حساسی از مسئولین جمهوری اسلامی ایران می طلبد که تمام تلاش خویش را برای تجمع کلیه نیروهای مدافع انقلاب و جمهوری اسلامی ایران، برای مقابله با توطئه های خطرناک براندازی بکار برند و موانع را از سر راه فعالیت نیروهای که طی دو سال ونیم گذشته صداقت خود را نسبت به جمهوری اسلامی ایران و وفاداری خود رانسیبت به انقلاب، به اثبات رسانیده - اند، بردارند. بقیه در صفحه ۹

سیطره امپریالیسم خبری را ریشه کن کنید!

وزارت ارشاد اسلامی، دفتر خبرگزاری امپریالیستی رویتر را، بدنبال دفاتر آسوشیتد پرسی و یونایتد پرس، بدلیل نشر اخبار خلاف واقع و "مخابره خبرهای دور از واقعیت، غلو و دروغ و تزویر" در مورد ایران تعطیل کرد.

این اقدام صحیح انقلابی در پی انتشار تحقیقات "گروه تحقیق واحد بین المللی خبرگزاری پارس" صورت گرفته که عملکرد خرد ماه خبرگزاری رویتر را مورد ارزیابی قرار داده و نشان داده بود که عملکرد این خبرگزاری بطور مطلق علیه انقلاب ایران و

بمنظور قلب واقعیت انقلاب و تحریک افکار عمومی علیه آن است. طبق آمار ارائه شده توسط این گروه، قریب به حداقل ۸۰ درصد اخبار منتشر شده توسط این خبرگزاری امپریالیستی، علیه انقلاب ایران بوده است. نکته مهم دیگر در تعطیل دفاتر خبرگزاری های امپریالیستی، که آخرین آنها دفتر رویتر بود، آن است که کارکنان - فاطر خبرگزاری های امپریالیستی تنها بر مخابره اخبار و گزارشهای کذب و تحریک آمیز در مورد انقلاب ایران اشتغال ندارند - که این بقیه در صفحه ۱۱

تصمیم گیری های اقتصادی - اجتماعی باید در سطح انقلاب سوم باشد

صفحه ۸

هموار سازند. چنین بود که عناصری چون امیرانظام سخنگوی دولت موقت بمنحون ابزار عملکرد سیاست نوین امپریالیسم وارد صحنه شدند، نژادها و مذهبها و مراعاتی هادر مواضع حساس انقلاب جای گرفتند و قطب زاده ها و یزدی ها و بنی صدرها بمناصبه کارگردانان سیاست نظام نوین انقلابی وارد معرکه شدند.

اسناد بدست آمده از جاسوسخانه آمریکا حکایت از آن دارد که امپریالیسم آمریکادر آستانه پیروزی انقلاب، سیاست خود را در ایران بر محور پشتیبانی از گروه های میانه - رو متمایل به غرب " یعنی لیبرالها قرار داد، تا مانع از بدست گرفتن قدرت از سوی مسلمانان انقلابی به رهبری امام خمینی شود. در آن هنگام سولویان سفیر پیشین آمریکا در ایران صریحا اظهار کرده بود که:

" هر گروه میانه رو و متمایل به غربی که به مبارزه علیه (ملاحا) برخیزد، در مورد آن بمنحون یک گروه (مترقی) باعلاقه تمام تبلیغ خواهیم کرد."

انقلاب بزرگ ۲۲ بهمن پیروز شد و دولت موقت زمام امور را بدست گرفت. دولتی که از زبان سخنگویش امیرانظام معتقد به " ضرورت تفاهم میان ایران و آمریکا " بود. امپریالیسم آمریکا باتکیه بر این گرایش های سازشکارانه، بورژوازی لیبرال ایران و با استفاده از مهره های چون امیرانظام ها در درون دولت موقت، امیدوار شد که به تدریج موقعیت مسلمانان انقلابی پیرو خط امام تضعیف شود قدرت در دست دولت موقت تمرکز یابد:

" ما می توانیم برای ایرانی کارکنیم که میانه رو باشد و ناسیونالیست های مخالف روحانیت تسلط بیشتری در اداره مملکت داشته باشند."

(اسناد جاسوسخانه - شماره ۳)
در اسناد جاسوسخانه همچنین آمده است که آمریکا روابط خود را با دولت موقت " دوستانه و همکاری طلبانه " ارزیابی می نمود و معتقد بود که " دولت موقت با اهمیت روابط با آمریکایی برده است!"
با این وجود، گسترش و تعمیق دائمی سمت ضد امپریالیستی انقلاب مانع از آن بود که دولت موقت بتواند روابط آمریکا با ایران را در کوتاه مدت ترمیم بخشد. امیرانظام سخنگوی دولت موقت به (چارلز ناس)

بقیه از صفحه ۱

ضربات جدی بر اسلام آمریکایی

جاسوس سیا گزارش داده بود که: دولت وی، همچنان خواهان، روابط خوبی با آمریکا است و چون احساسات ضد آمریکائی در ایران شدید و گسترده است، عادی کردن روابط می بایست با دقت صورت گیرد.

(اسناد جاسوسخانه - شماره ۱۰)
" چارلز ناس " در نامه ای به وزارت امور خارجه آمریکا اطمینان داده بود که:
" اگر این دولت دوام پیدا کند، روابط اقتصادی و سیاسی چنان خواهد بود که یک موقعیت بهتری برای ما بدست خواهد آورد."

(اسناد جاسوسخانه - شماره ۳)
دولت موقت به برکت هشیاری مردم و قاطعیت امام خمینی دوام تیافت و انقلاب دوم، که بزرگتر از انقلاب اول بود، دولت موقت هوادار سازش را در سیلاب خشم و نفرت مردم نسبت به امپریالیسم آمریکا غرقه کرد.

با برکناری دولت موقت، انقلاب ضد-امپریالیستی تعمیق شد و هر روز بیشتر به سوی تأمین استقلال و قطع رسته های وابستگی کام برداشت این بار امپریالیسم مهره های جدیدی را برای انحراف انقلاب از مسیر درست، وارد میدان کرد. تازه مسلمانان ماثو - نیست و افراد مظنون یابی هویت برهبری بنی صدر پرچم مبارزه با خط امام را برافراشتند و دفترها هنگی و دفتر رئیس جمهوری را به مراکز توطئه علیه رهبری امام خمینی، مسلمانان انقلابی پیرو خط امام، بدل کردند امام خمینی در دیدار با اعضا خانواده - های شهدای فاجعه تأسف بار هفتم تیر، که به شهادت گروه بزرگی از یاران امام انجامید، سراسر این جریان آمریکائی را در چند جمله بیان می کنند.

" قضیه شخص و افراد نبود. قضیه همان جریان بود که با اصل اساس مخالفت باشد. قضیه دفترها هنگی در سراسر کشور یک قضیه من باب اتفاق و عادی نبود. قضیه مخالفت با دولت اسلامی و هر روز در هر گفتاری، در رهروشته های حمله به دولت، به اینکه این دولت کاری از او بر نمی آید. قضیه این نیست که مجلس یک مجلس غیر کار آئی

است و از اشخاص غیر مطلع تشکیل شده، مسائل این نیست، مسئله این نیست که قوه قضائیه بدست انحصار طلبان افتاد باشد. اینها مسائل اصلی آنها نیست. مسائل آمریکا است و اسلام. جریان آمریکائی در مقابل اسلام."

مسئله مقابله اسلام آمریکائی با اسلام خمینی، همانطور که امام بیان می کنند، از همان آغاز پیروزی، در دو خط مشخص تجلی نمود. مخالفان اسلام خمینی، که بنا بر مسلمان خود را در صفوف دولت مردان انقلاب جازده بودند، هرگز عیان نمی کردند که با محتوای ضد-امپریالیستی و مردمی خط امام مخالفند، بلکه مخالفت خود را در کسوت مخالفت با کمیته ها و دادگاه های انقلاب، سپاه پاسداران و دانشجویان مسلمان پیرو خط امام و در دشمنی با مسلمانان انقلابی پیرو خط امام خمینی بیان می داشتند. اینسان دعوی مسلمانان داشتند، اما در عمل از امپریالیسم، بسرکردگی آمریکا و ستم بر مستضعفان جهان حمایت می کردند، دعوی مسلمانان داشتند. اما حامی نظام بهره کشی بودند و محرومیت محرومان جامعه را امری ضروری و محتوم می دانستند.

در شرایطی که امپریالیسم جهانی، به سرکردگی آمریکا، رور روی انقلاب ایران ایستاده بود (و ایستاده است) و باتوطئه - ها و دسیسه های خود تلاش در سرکوب انقلاب داشت (و دارد) دولت مردان به ظاهر مسلمان، که بگفته امام " نماز شب هم می خوانند "، خود را به ندیدن و نشنیدن و نفهمیدن زدند. و سعی داشتند که امپریالیسم غدار آمریکا را از زیر ضربه خارج کنند امام خمینی می گویند:

" خط این بود که اصلا آمریکا منسی شود یکدسته شوروی را طرح می کردند، تا آمریکا منسی شود."
در سخنان و خطابه ها و صفحات روزنامه - هایشان، نامی از آمریکا و توطئه های بر- اندازی این دشمن اصلی و عمد ما استقلال ایران نبود و بجای آن ستون ها و صفحات، صرف مطالب انحرافی می شد، تا افکار عمومی را از توجه به خطرات ناشی از عملکرد های امپریالیسم در کشور، باز دارند. از چهار گوشه جهان برای نظام جمهوری اسلامی ایران

این مواضع در برقراری مناسبات با دیگر کشورها، وزارت امور خارجه می تواند در فعالیت خود دشمنان و دوستان انقلاب را همواره بیشتر و بهتر بشناسد، در مبارزه با دشمنان روابط همواره گسترده تری با دوستان بسود استقلال و رشد مستقل کشور، در جهت تأمین منافع خلق مستضعف ایران برقرار کند.

بد یکرسخن، وزارت امور خارجه از موضع استقلال، عدم مداخله در امور دیگر کشورها و عدم پذیرش هرگونه مداخله در امور داخلی جمهوری اسلامی ایران، برابری کامل حقوق و احترام متقابل، شناخت متقابل، حق حاکمیت و تمامیت ارضی و سود متقابل عادلانه، می تواند در عمل و طی فعالیت خود دوستان را از دشمنان تشخیص دهد و در مبارزه با دشمنان، با دوستان بسود سیاست استقلال طلبانه و مردمی انقلاب شکوهمند اسلامی ایران، مناسبات برقرار نماید.

ما امیدواریم و انتظار داریم که آقای مهندس سید حسین موسوی، در مقام وزیر امور خارجه، بتوانند خط سازشکاری با دشمنان و ایجاد تیرگی با دوستان را، که

دشمن می ترشیدند، تا مردم فراموش کنند که دشمن اصلی و خطرناک و غدار انقلاب و جمهوری اسلامی ایران امپریالیسم آمریکاست امام در این باره می گویند:

" نه اینکه نمی فهمیدند که ما امپریالیسم آمریکا نیستیم، میتوانستند ما را از استقلال بیرون بیاورند و بدامن آمریکا ببندازند."
مسلمانان مخالف اسلام خمینی مانع از برقراری مناسبات دوستانه با کشورهای دوست ایران در منطقه می شدند، فاصله های مصنوعی میان ما و آنها می آفریدند و در عوض کوشش داشتند تا دشمنان انقلاب ایران در منطقه را دوست جلوه دهند: رژیم ضیا - الحق را دوست نشانده آمریکا نمی دانستند رژیم عربستان سعودی را آنطورها هم وابسته و ارتجاعی نمی شناختند، ترکیه هم پیمان آمریکا را دوست انقلاب ما می دانستند، اما به لیبی و الجزایر و سوریه و یمن و مکرراتیک و کشورهای سوسیالیستی روترش می کردند و دست دوستی شان را پیش می زدند.

در مبارزه با فئودالیسم و سرمایه داران بزرگ سرانجام روشن شد که این " مسلمانان " در کدام سواستاد فاند، هر چند که سکوت آنها نشان دهنده حمایت آنان از فئودالها زمینداران و سرمایه داران بزرگ بود. هرگز نظر صریح خود را درباره طرح ملی کردن بازرگانی خارجی اجرای بند " ج " و " د "، تحدید مالکیت های خصوصی و غیره و غیره اعلام نکردند و در مسائل مهم انقلاب همواره خود را به کوچ علی چپ زدند.

باتصمیم تاریخی مجلس شورای اسلامی در مورد تصویب عدم کفایت سیاسی بنی صدر عزل وی از سوی امام خمینی و افشاء مواضع سازشکارانه و تسلیم طلبانه سرمایه داری لیبرال ایران، بر مواضع سیاسی اسلام آمریکائی ضربات جدی وارد آمده است. اکنون بیش از هر زمان آشکار شده است که نقطه مسلمان بودن دلیل بر انقلابی بودن نیست، مسلمان می تواند ضد انقلابی هم باشد و غیر مسلمان انقلابی. تمام ضرباتی که در دوران پس از پیروزی بر انقلاب وارد آمده، بطور عمده از فاجعه اسلام آمریکائی و غیر انقلابی، یا ضد انقلابی بوده است. به گفته امام: " نباید دیگر اشتباه تکرار شود " باید به جبهه متحد پشتیبانان راستین انقلاب تکیه زد، صرف نظر از آنکه پیش آنان این یا آن باشد.

لیبرالها بر جمهوری اسلامی ایران تحمیل کرده بودند، بکلی و تماما محو و نابود کنند و فعالیت وزارت امور خارجه را در مسیر مبارزه آشتی ناپذیر با امپریالیسم، به سرکردگی آمریکا و ایجاد روابط حسننه با جبهه ضد امپریالیستی، بسود تحکیم استقلال و رشد مستقل جمهوری اسلامی ایران قرار دهند.

شرکت فعال در نبرد عادلانه بر ضد تجاوز رژیم صدام یک وظیفه انقلابی است!

بقیه از صفحه ۱

شناخت دوستان...

از این رو وظیفه مهمی که اکنون بر عهده وزارت امور خارجه قرار دارد، بگفته آقای موسوی وزیر امور خارجه، " برکشت به واقعیت های موجود در جهان است، این که ببینیم انقلاب ما چه رسالتی را بر عهده دارد و به چه سمتی می خواهد حرکت کند، دشمنان و دوستانش چه کسانی هستند."
" برکشت به واقعیت های موجود در جهان " در عرصه فعالیت وزارت امور خارجه در حقیقت همان شناخت دشمنان و دوستان است از دیدگاه رسالتی که انقلاب ما بر عهده دارد و محتوای اساسی آن تأمین استقلال همه جانبه کشور است و همکاری با جنبش های آزادی بخش، که طی نبرد سخت با امپریالیسم، بسرکردگی امپریالیسم غدار آمریکا، قابل اجرا است.
خلق قهرمان ما برهبری امام خمینی در هر سه مرحله انقلاب بزرگی که پیروز شدند پشت سر نهادند، دشمنان خود را بوجود دولتهای امپریالیستی و دولتهای دست

نشاند امپریالیسم و دشمن اصلی خود را در وجود امپریالیسم آمریکا بخوبی شناخته است. از دیدگاه شناخت آن دشمنان و این دشمن اصلی، شناخت دوستان نیز چندان دشوار نیست. تمام دولت ها و نیروها ضد امپریالیستی، که در عمل نیز دوستی خود را بصورت پشتیبانی از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران به اثبات رسانده باشند، دوستانند که مجموعا جبهه ضد امپریالیستی جهانی را تشکیل می دهند، و این جبهه متشکل است از دولت های سوسیالیستی، دولت های عربی جبهه پایداری و آن دولت های از " جهان سوم " که در کینبرد با امپریالیسم اند و آن جنبشهایی که بر ضد امپریالیسم برای استقلال کشور خویش می - رزمند.

قانون اساسی مبانی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران را، از جمله در نفی هرگونه سلطه جوئی و سلطه پذیری، منع هرگونه قرارداد سلطه گرانه، حفظ استقلال همه جانبه کشور، خودداری از دخالت در امور داخلی دیگر کشورها و حمایت از مبارزه حق طلبانه مستضعفین در برابر مستکبرین اعلام کرده است. با حفظ

مردم قهرمان ایرلند شمالی تا طرد کامل استعمار فرتوت انگلیس به مبارزه خود ادامه می دهند

پنجمین عضو ارتش جمهوریخواه ایرلند در پی يك اعتصاب غذای طولانی که بخاطر كسب حقوق سیاسی برای بیش از ۴۰ تن زندانی هم‌رزمش در زندان لانگ کاش در نزد يك بلغاست صورت گرفته بود، قهرمانانه جان باخت.

استعمار فرتوت انگلیس برای حفظ مطامع استعماری انحصارات غارتگر بریتانیا و دفاع از منافع کلان سرمایه داران و بزرگ زمینداران محلی از هیچ جنایتی در ایرلند فروگذار نمی کند.

اکنون بیش از ده سال است که ایرلند شمالی در موقعیت بسیار باریکی قرار دارد. بر اثر ترور وحشیانه حاکم بر این سرزمین مرک در هرکوی و برزن در کمین انسان است و پیر و کودک را در کام خود فرو می برد. این وضع از اوت ۱۹۶۹ هنگامی آغاز شد که واحد های مهم ارتش منظم بریتانیا وارد بلغاست و لندن دری شدند. ظاهراً ورود واحد های نظامی انگلیس به بهانه جلوگیری از برخورد های دو جامعه مذ هبی خصم یکدیگر - کاتولیک ها و پروتستان ها - بود.

تقسیم ایرلند از اصل قدیمی امپریا - لیستی "تفرقه بینداز و حکومت کن" سرچشمه می گیرد. امپریالیسم انگلیس در سال ۱۹۲۱ تحت تأثیر مبارزه رهائی ملی طولانی و سخت مردم ایرلند ناچار شد که به تشکیل يك دولت مستقل ایرلندی که پایتخت آن دوپلین انتخاب شد تن دهد. با وجود این لندن با تهدید به "جنگ مستقیم و وحشتناک" (گفته لوید جرج) تقسیم کشور را با ایرلندی - ها تحمیل کرد. در نتیجه ۶ ایالت از ۹ ایالت تاریخی اولستر در محدوده "قلمرو سلطنتی انگلیس و ایرلند شمالی قرار گرفت. در این قلمروست که مبارزه طبقاتی زیر پوشش دو جامعه مذ هبی جریان دارد.

البته تقسیم ساکنان بر حسب اعتقادات مذ هبی خلاف طبیعت است. با وجود این در چارچوب ایرلند شمالی مفاهیم "کاتولیک" و "پروتستان" به يك اندازه شاخص مذ هب و مجموع آراء سیاسی و شرایط اقتصادی و اجتماعی هستند. بومی های جزیره - کاتولیک ها - کارگران و دهقانان اجاره دار خرد پارا تشکیل می دهند. آنها در کارخانه ها و زمین های متعلق به پروتستان ها کار می کنند. اسلاف پروتستان - ها که با سر بازان کرمول به سرزمین ایرلند آمدند، بعد ها به بانکداران، کار - فرمایان مؤسسات بازرگانی و صنعتی، مالکان بزرگ ارضی و زمینداران عمده بدل شدند. آنها ثروت شان را از راه تصرف زمین های کاتولیک ها به چنگ آورده بودند. آنها خود را "وحدت طلب" می نامند، یعنی هوادار اتحاد با بریتانیا هستند. چون سیاست سلطه جویانه بریتانیا پایه تبعیض نسبت به اقلیت کاتولیک و تأمین کننده رفاه و نیروی کار ارزان برای آنهاست.

البته بین کاتولیک ها نیز افراد مرفه وجود دارند و اکثریت پروتستان ها را کارگران تشکیل می دهند. اما این تفاوت بین آنها وجود دارد که برای هر پروتستانی شغل و مسکن به زبان همسایه کاتولیک وی تأمین شده. این وضعیت ناشی از سیاستی است که بریتانیا قرن ها اعمال می کند و همواره محرک

تضاد های دو جامعه مذ هبی است. بر این اساس اگر در جمهوری ایرلند بیش از ۹۰٪ جمعیت کاتولیک اند، در ایرلند شمالی در برابر یک میلیون پروتستانی نیم میلیون کاتولیک وجود دارد.

الیکارشی پروتستان از ترس از دست دادن امتیازات خود همواره تنفر و کینه نسبت به کاتولیک ها را دامن می زند. آنها توفیق یافته اند کارگران پروتستان را متقاعد سازند که جدائی از بریتانیا برای آنها فاجعه انگیز است و موجب پایین آمدن سطح زندگی شان می گردد. این امر موجب اتحاد غیرطبیعی بین بانکداران و کارگران، مالکان بزرگ ارضی و اجاره داران زمین شده که بر اساس احساسات مشترکشان در دشمنی با جمهوری ایرلند و کاتولیک ها پیوند یافته اند.

این اتحاد برای محافل حکومتی لندن و بلغاست بسیار سود مند است، زیرا از تشکیل جبهه متحد مبارزه بین کارگران کاتولیک و پروتستان بر ضد دشمن مشترک طبقاتی جلوگیری می کند.

حاکمان لندن برای تحمیل نظم خود به مردم ایرلند شمالی يك دستگاه فشار و سرکوبگری سابقه بنیاد نهادند زیرا مردم این سرزمین هیچگاه حاضر نبودند به شرایط تحمیلی استعمارگران تن دهند.

در پی این فشارهای ابلهانه بود که نیروهای انقلابی ایرلند شمالی سازمان های مقاومت مخفی خود را بوجود آوردند. ارتش جمهوری خواه ایرلند در میان آتش شورش ۱۹۱۶ در دوپلین پا به عرصه وجود نهاد. رهبری ارتش جمهوری خواه ایرلند قرار داد ۱۹۲۱ انگلیس - ایرلند را در باره تقسیم کشور به رسمیت نشناخت. این ارتش با مقامات دوپلین به مقابله برخاست و از آن هنگام در شرایط مخفی فعالیت می کند.

در پایان ۱۹۶۹، پس از کشتار خونین در محله های کاتولیک و مداخله واحد های انگلیسی در بلغاست و لندن دری در ارتش جمهوریخواه ایرلند انشعاب رویداد. از آن موقع ارتش رسمی "یا سرخ" جمهوریخواه ایرلند و ارتش موقتی "یا سنتی" جمهوری - خواه ایرلند تشکیل شد. هدف هر دو آنها اتحاد ایرلند است. اما ارتش موقتی "جمهوریخواه ایرلند صرفاً تکیه به مبارزه مسلحانه دارد:

کار پایه سیاسی ارتش موقتی "جمهوری - خواه ایرلند" که مبتنی بر بنیاد نهادن ایرلند نوین است در ۱۹۲۲ پیشنهاد شد. البته فرمول های آن بسیار مبهم اند. رهبران این ارتش چیزی فراتر از ایجاد ایرلند واحد بر مبنای "سوسیالیسم مسیحی" بدون کمونیست ها ارائه نکرده اند. تصویری که آنها از آینده رسم می کنند کنگ و مبهم است. در حال حاضر کار آنها مضمحل به حمله به گشتی ها، واحد های پلیس، سربازان منفرد، مأموران مخفی و گارد های زندان است. آنها سوخته های هم در مؤسسات، تفریحگاه ها، هتل ها و قهوه - خانه ها ترتیب می دهند. نفرین ها و خانه ها را منفجر می کنند و دهان نفر ساکنان آن را به قتل می رسانند.

دولت انگلیس به بهانه "مبارزه با

تروریسم" در ایرلند شمالی دست به تصویب قوانین استثنائی زده و مردم این کشور را از حقوق دموکراتیک و آزادی های مدنی محروم کرده است. در چارچوب "حکومت مستقیم" لندن در اولستر محاکم دادگستری عملاً به حال تعلیق درآمده و دادگاه های ویژه جانشین محاکم جنائی شده اند. دادگاه - ها طبق اظهارات محص يك پلیس یا خبر - چین رای صادر می کنند. احکامی که طبق "اعترافات" متهمان در زیر شکنجه صادر می شود، وسیعاً رواج دارد. به نوشته "سندی تایمز" دوپلین بیش از ۸۰٪ زندانیان زندان های اولستر بدین سان به حبس - های طولانی محکوم شده اند. توقیف افراد بدون اجازه دادستان نه تنها برای ارتکاب اعمال غیرقانونی بلکه "در صورتی هم که شخص مظنون به ارتکاب چنین اعمالی باشد" مجاز است. به علاوه ارتش و پلیس حق دارند بدون دلیل و اتهام افراد را در زندان نگاه دارند.

کسانی که از طریق اخبار برخی از روزنامه های انگلیسی با رویداد های ایرلند آشنا می شوند می گویند که تابلوی مذکور در باره اوضاع ایرلند بسیار مبهم است. مخصوصاً از آن جهت که شنید هاند پلیس ویژه تظاهرات بجای کلوله های سرسی از کلوله های پلاستیکی استفاده می کنند، اسلحه جدیدی که آن را "اسلحه انسانی" توصیف کرده اند.

این "اسلحه انسانی" که آن را "چماق پرنده" می نامند، قطعه ای استوانه ای از پلاستیک به سختی سنگ است که بیش از ۸ سانتی متر طول و نزدیک به ۳ سانتی متر قطر دارد. به گفته پزشکان بلغاست این کلوله برای بدن انسان بسیار خطرناک است. این کلوله اعضای داخلی بدن را مجروح کرده، کوری بیارمی آورد. تنها در ماه گذشته در پی جراحاتی که از این کلوله به وجود آمد يك نفر بنام هانری دوفی ۴۰ ساله از لندن دری و دودختر خردسال جولیا لیونگستون ۴ ساله و کارول آن کلی ۱۲ ساله از بلغاست در بیمارستان درگذشتند. آنها کوشیده بودند در مدت آرامش از مزاجه نزد يك خانه خود خرید کنند.

در پی اجرای قانون سرکوبگرانه اردوگاه متمرکز لانگ کاش نزد يك بلغاست تشکیل شد که مقامات دولتی آن را "زندان میز نام نهادند. تقریباً ۱۳۰۰ زندانی پشت دیوار بلندی به ارتفاع سه برابر قد انسان نگاهداری می شوند. این زندان از چند ردیف سیم خاردار احاطه شده است. بین زندانیان اعضای ارتش موقتی "جمهوریخواه ایرلند" نیز وجود دارند. آنها در سلول هایی به شکل حرف H که به "بلوک های H" معروف اند جا داده شده اند.

اکنون متجاوز از ۴ سال است که بیش از ۴۰ نفر برای کسب حقوق زندانی سیاسی مبارزه می کنند. یکی از این زندانیان بنام بابی ساندز در اول مارس گذشته با تأکید بر این درخواست دست به اعتصاب غذا زد. در آغاز ماه آوریل او نامزدی خود را برای انتخابات تکمیلی حوزه فرماناگ و نیروی جنوبی اعلام داشت و بعنوان نماینده پارلمان بریتانیا

انتخاب شد. انتخاب وی نشان داد که زندانیان زندان های اولستر در مبارزه خود تنها نیستند. در اولستر و در جمهوری ایرلند تظاهرات همبستگی با زندانیان "بلوک های H" هزاران نفر را در صفوف خود گرد آورد.

دولت محافظه کار انگلیس نسبت به این درخواست ها موضع سختگیرانه ای در پیش گرفت. هافری آتکینز وزیر بریتانیایی امور ایرلند شمالی پس از اعلام کسب تکمیلی بابی ساندز اعلام داشت که دست به خودکشی بزنند اینکار بخود او مربوط است. بابی ساندز پس از ۶۵ روز اعتصاب غذا جان سپرد. پس از او چهار تن از یاران او به نوبت بر اثر اعتصاب غذا جان باختند. تشییع جنازه آنها به تظاهرات باشکوهی بر علیه سیاست سرکوبی مقامات بریتانیایی بدل شد.

اگر مارگارت تاچر دولت او بابی ساندز و رفقاییش را "جنایتکاران حقوق عمومی" قلمداد می کند. آنها برای اقلیت کاتولیک اولستر و برای جنبش ملی مردم ایرلند مبارزان ضد تبعیض و بیکاری عمومی و رزمندگان ضد قانون استثنائی و تروریسم - های امنیتی به شمار می روند.

مرگ زندانیان لانگ کاش موجب بر - انگیختن خشم و غضب عمومی در ایرلند شمالی و سراسر جهان شده است. "تا چرا مکش است!"، "به سرکوبی های مقامات انگلیسی در اولستر پایان دهید!" از جمله شعارهایی هستند که در تظاهرات نیویورک، پاریس، استکهلم، دهلی نو و بسیاری از شهرهای دیگر جهان از کلوها فریاد می شوند.

دولت و مجلس شورای اسلامی ایران، نخست وزیر ایرلند چارلز هافی، رهبر کلیسای کاتولیک ایرلند توماس اوفی اچ گروهی از سناتورهای آمریکا، نمایندگان پارلمان ایرلند، فرانسه و هند سیاست انگلیس را در ایرلند شمالی محکوم کردند. با وجود این، مارگارت تاچر بلغاست اعلام داشت که هیچ شخصیت مسئول یا مذ هبی از من نخواست است که در وضعیت زندانیان اولستر تغییری بد هم و یا تغییر وضع ویژه ای برای آنها قائل شوم" خانم تاچر و هافری هاتکینز بارها تأکید کرده اند که دولت به تقاضای زندانیان "بلوک های H" تن نخواهد داد.

موضع سخت محافظه کاران موجب تشدید وخامت در اولستر شده است. نظر خواهی روزنامه "لندی سندی تایمز" از ۶۴ روزنامه ۲۵ کشور جهان نشان داد که مطبوعات خارجی نسبت به ضد خلقی بودن سیاست مقامات بریتانیا در ایرلند شمالی شدیداً معترض اند. تنها ۵ روزنامه معتقدند که واحد های انگلیسی باید در اولستر باقی بمانند. ۶۶ روزنامه اعلام داشتند که بریتانیا باید واحد هایش را بدون هیچ قید و شرطی فراخواند. موج اعتراضات نسبت به سیاست امپریالیستی انگلیس در ایرلند شمالی سراسر جهان از جمله خود این کشور را فرا گرفته است. طبق نظر خواهی دیلی استار لندن ۶۰٪ مردم انگلیس موافق بقیه در صفحه ۹

احزاب، جمعیت‌ها، سازمان‌ها و گروه‌ها

حزب توده ایران

جنایت بزرگ ضد انقلاب پرورد آمریکا را به شدت محکوم می‌کنیم مبارزه تا پیروزی قطعی و نهائی انقلاب ادامه دارد

هم میهنان گرامی!

پیروزی بزرگ مردم انقلابی ایران و نیروهای پشتیبان خط ضد امپریالیستی و مردمی امام خمینی باشند، نمی‌توانستند دست روی دست بگذارند و ناظر ساده زرقش و گسترش انقلاب در سمت گیری‌های اساسی - اش گردند. اما ضد انقلاب پرورد آمریکا را در برابر هشیاری و توان نیروهای عظیم مردمی انقلاب، قدرت آن نیست که جز به ترور و خرابکاری و بمب‌گذاری دست یازد و جز جنایت و خون ریزی و امحاء جسمی انقلابیون راه دیگری برگزیند.

کمیته مرکزی حزب توده ایران در اعلامیه چهارم تیرماه ۱۳۶۰ خود خاطر نشان ساخت که "جبهه" براندازی می‌کوشد با تجدید آرایش قوا، مقدمات تازه‌ای را، چه در زمینه تحریک و تشنج و چه در زمینه خرابکاری، ترور فردی و نظایر آن، فراهم آورد. فاجعه هفتم تیر نشان داد که تا چه اندازه ضرور است که برای حراست از انقلاب، متوجه این‌گونه شیوه‌های جبهه براندازی مرکب از نیروهای امپریالیستی و عمال و دستیاران آنها بود. ولی این شیوه‌های مذبحخانه که نشانه ضعف و درماندگی کور ضد انقلاب است، نشانه شکست آن نیز هست. ضد انقلاب هرگز با ترور و خرابکاری و بمب‌گذاری و نابودی انقلابیون موفق به نابود کردن انقلاب نخواهد شد. آمریکا هیچ غلطی نخواهد کرد و تمام توطئه‌های آن محکوم به شکست خواهد بود، زیرا که مردم زحمتکش و انقلابی ایران همه نیروهای راستین انقلابی پشتیبان خط امام خمینی، برای دفاع از انقلاب بزرگ خود و دستاوردهای تاریخی ضد امپریالیستی و مردمی آن، برای تعمیق و گسترش آن، چون تن واحد ایستاده‌اند و هرگونه تشبیه جنایتکارانه ضد انقلابیون و فریب خوردگان با سد بیداری و هشیاری و یگانگی مردم انقلابی به رهبری امام خمینی برخاورد خورد و درهم خواهد شکست.

پیروزی‌های جبهه انقلاب را تثبیت و تحکیم کنیم. توطئه‌های جبهه براندازی را درهم اشکال آن خنثی کنیم. راه را برای تثبیت و تحکیم و گسترش باز هم بیشتر انقلاب هموار سازیم. اتحاد گسترده همه نیروهای راستین انقلابی را وثیقه نابودی دشمن و ظغرمندی انقلاب کنیم.

درد بر شهیدان! مرگ بر آمریکا! پیروز باد انقلاب ضد امپریالیستی و مردمی ایران! برقرار باد جبهه متحد خلق!

کمیته مرکزی حزب توده ایران ۸ تیرماه ۱۳۶۰

خود را با سرنوشت انقلاب به هم گره زدند و خواستار قاطعیت در برچیدن بساط بزرگ مالکی و کلان سرمایه داری به نفع توده‌های میلیونی دهقان و کارگر و خواستار شرکت دادن عملی کلیه نیروهای مردمی در دفاع از انقلاب و در تعمیق و پیشبرد آن هستیم. باید آگاهانه و متحداً انقلاب کسوف نشینان و مستضعفین را در جهت تأمین منافع واقعی آنها عمق بخشیم انقلابی کهدر خدمت توده‌های زحمتکش باشد همیشه

خود را با سرنوشت انقلاب به هم گره زدند و خواستار قاطعیت در برچیدن بساط بزرگ مالکی و کلان سرمایه داری به نفع توده‌های میلیونی دهقان و کارگر و خواستار شرکت دادن عملی کلیه نیروهای مردمی در دفاع از انقلاب و در تعمیق و پیشبرد آن هستیم. باید آگاهانه و متحداً انقلاب کسوف نشینان و مستضعفین را در جهت تأمین منافع واقعی آنها عمق بخشیم انقلابی کهدر خدمت توده‌های زحمتکش باشد همیشه

خود را با سرنوشت انقلاب به هم گره زدند و خواستار قاطعیت در برچیدن بساط بزرگ مالکی و کلان سرمایه داری به نفع توده‌های میلیونی دهقان و کارگر و خواستار شرکت دادن عملی کلیه نیروهای مردمی در دفاع از انقلاب و در تعمیق و پیشبرد آن هستیم. باید آگاهانه و متحداً انقلاب کسوف نشینان و مستضعفین را در جهت تأمین منافع واقعی آنها عمق بخشیم انقلابی کهدر خدمت توده‌های زحمتکش باشد همیشه

خود را با سرنوشت انقلاب به هم گره زدند و خواستار قاطعیت در برچیدن بساط بزرگ مالکی و کلان سرمایه داری به نفع توده‌های میلیونی دهقان و کارگر و خواستار شرکت دادن عملی کلیه نیروهای مردمی در دفاع از انقلاب و در تعمیق و پیشبرد آن هستیم. باید آگاهانه و متحداً انقلاب کسوف نشینان و مستضعفین را در جهت تأمین منافع واقعی آنها عمق بخشیم انقلابی کهدر خدمت توده‌های زحمتکش باشد همیشه

خود را با سرنوشت انقلاب به هم گره زدند و خواستار قاطعیت در برچیدن بساط بزرگ مالکی و کلان سرمایه داری به نفع توده‌های میلیونی دهقان و کارگر و خواستار شرکت دادن عملی کلیه نیروهای مردمی در دفاع از انقلاب و در تعمیق و پیشبرد آن هستیم. باید آگاهانه و متحداً انقلاب کسوف نشینان و مستضعفین را در جهت تأمین منافع واقعی آنها عمق بخشیم انقلابی کهدر خدمت توده‌های زحمتکش باشد همیشه

جنایت هولناک هفتم تیر ضد انقلاب پرورد آمریکا در توطئه بمب‌گذاری در دفتر مرکزی حزب جمهوری اسلامی موجی از خشم و نفرت در میان سازمان‌ها و جمعیت‌های انقلابی ایران برانگیخت که در زیر ما اعلامیه‌های برخی از آنها را در محکوم کردن این جنایت بزرگ و دعوت مردم و نهاد‌های انقلابی به هشیاری و مبارزه جدی با ضد-انقلاب داخلی و خارجی از نظر خوانندگان می‌گذرانیم.

تشکیلات دموکراتیک زنان ایران

امام خمینی رهبرانقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران آیت اله منتظری و هم‌رهبران و دولت انقلاب اسلامی ایران تسلیم گفته و تعهد می‌کنیم که شب و روز برای پیروزی این انقلاب، افشاء کردن ضدانقلاب و خنثی کردن اعمال شیطانی آنها کوشش کنیم.

زنان و مادران از آغاز پاسداران انقلاب بودند و در طی سال‌های دراز بخصوص این سه سال اخیر با کشته شدن، یا شرکت در همه مبارزات این کار را ثابت نمودند.

امروز هم باز در برابرین شهداء کرانمایه و همیشه زنده بار دیگر تعهد می‌سپاریم که از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران همچون عزیزترین عزیزان پاسداری کنیم و از هیچ گذشتی دریغ ننمائیم.

مادشمن اصلی خلق‌های جهان و مردم ایران و بخصوص انقلاب شکوهمند و جمهوری اسلامی ایران را آمریکا می‌شناسیم و تا جان دریدن داریم با آن مبارزه خواهیم کرد و تا محو دشمن از پای نخواهیم نشست.

بااطمینان قاطع به پیروزی انقلاب.

تشکیلات دموکراتیک زنان ایران

۱۳۶۰/۴/۱۱

چنان وحدت و همبستگی ای بوجود آورد که قادر به درهم شکستن همه توطئه‌های امپریالیسم و ایادی داخلی باشد.

باید از نیروی توده‌های میلیونی مردم نه تنها در خرابی‌ها و میادین بلکه در اداره چرخهای انقلاب نیز بهره گرفت.

باید ریشه‌های نفوذ امپریالیسم را در داخل از بین و بین خشکاند. تا روزی که کلان سرمایه داران و زمینداران بزرگ‌فراخ - البال به مکیدن خون میلیون‌ها کارگر و دهقان مشغولند، تا روزی که محتکرین و گران‌فروشان بیدار می‌کنند، امپریالیسم جای پای تکیه گاه‌های مادی محکمی در این کشور خواهد داشت و از این پایگاه‌ها

انقلاب و انقلابیون را آماج تیرهای سمی نظیر ترور شخصیت‌ها و جنایات هولناکی همچون حادثه منفجر ساختن دفتر مرکزی حزب جمهوری اسلامی قرار می‌دهد. باید

باتلاقیات متعفن پرورش استکبار را در داخل که در ارتباط کامل با امپریالیسم‌اند از بین برد تا ریزان هانتوانند انقلاب را از داخل بوسیله ایادی خود متلاشی سازند.

باید با اجرای قانون اساسی و تأمین آزادی فعالیت احزاب و سازمان‌های دموکراتیک مدافع انقلاب بهانه را از دست مدعیان دروغین آزادی‌خواهی بردارند، باید با اجرای پیام ۲۶ آبانماه ۵۸ امام خمینی مردم کردستان را از شر باند قاسملو، از شروابستان‌بخت و امپریالیسم نجات داد.

ماضن محکوم کردن توطئه خائنانانه انفجار در دفتر مرکزی حزب جمهوری اسلامی و تسلیم به مردم، صاحبان اصلی انقلاب، به امام امت، بنیان‌گذار جمهوری اسلامی و هم‌زمان و بازماندگان قربانیان این حادثه جانخراش خواستار هشیاری و بیداری بیشتر جهت خنثی ساختن توطئه‌های بعدی ضد انقلاب هستیم، خواستار وحدت عمل‌کلیه سازمان‌ها و نیروهای هستیم که سرنوشت

باز دست جنایتکار آمریکا فاجعه ای هولناک به وجود آورد. هنوز مردم ایران از هول توطئه‌ای که جان حضرت حجست الاسلام خاانه‌ای را به خطر جدی انداخت بیرون نیامده بودند، که جنایتی بسیار هولناک تر رخ داد.

بسی ده‌ها نفر از بهترین یاران امام خمینی و والاترین خدمتگزاران جمهوری اسلامی ایران و آشتی‌ناپذیرترین دشمنان آمریکا رانابود کرد.

در دو خشم همه مردم ایران به خصوص زنان را در خود پیچیده، چگونه می‌توان جای این بزرگواران و جوانان را پر کرده، چگونه می‌توان بر دل پر در خانواده‌های آنها مرهم گذاشت؟

گفتار امام خمینی مانند همیشه به همه مردم نیرو بخشید، دل‌ها را قوی کرد، اراده مبارزه را نیرومندتر ساخت و کینه را نسبت به دشمن غدار آمریکا عمیق‌تر و سخت‌تر کرد.

برای ما زنان و مادران، که عمیقاً این داغ بزرگ را در دل و جان خود حس می‌کنیم، یک راه وجود دارد: خدمت و باز خدمت به انقلاب. ما با اینکه این ضربه هولناک را نمی‌توانیم از یاد ببریم و نخواهیم برد، به حضور

حزب دموکرات کردستان ایران

(بیروکنگره چهارم)

هموطنان!

حادثه دردناک انفجار یکشنبه شب هفتم تیرماه دفتر مرکزی حزب جمهوری اسلامی ایران ضربه دیرتری است که وسیله ایادی آمریکا به بخشی از کردان‌های انقلاب ضد امپریالیستی و مردمی ایران زده می‌شود.

این واقعه جانکداز که منجر به شهادت هفتاد و دو تن از نمایندگان مجلس، مسئولین، کردانندگان، دولت و پاسداران انقلاب گردید بدون شک اولین توطئه نبوده و آخرین توطئه پلید ضد انقلاب نیز نخواهد بود. پایه پای تعمیق انقلاب و کم شدن نقش لیبرال‌ها سازشکار و تسلیم طلب رسوا شدن گروهک‌های مائوئیست

آمریکائی و سازمان‌های هرج و مرج طلب و منحرف هرآن احتمال ضربات دیگری بر پیکر انقلاب و دولت مردان صدیق می‌رود. آنچه انکار ناپذیر است، تشدید عملیات این گروهک‌ها بعد از برکنای بنی صدر از ریاست جمهوری است، امروز عملاً طیف ناهمگونی از عناصر ضد انقلابی وابسته به رژیم سابق گرفته تا لیبرال‌های تسلیم طلب و سازشکار، از مائوئیست‌های آمریکائی گرفته تا سازمان‌های ماجراجو و گروهک‌های وابسته، بوجود آمده که همه همسود رجعت‌تضعیف و براندازی جمهوری اسلامی در اتحاد نامقدس با هم جوش خوردند.

برای خنثی ساختن اعمال انقلاب بر باد رده گروهک‌ها و سازمان‌ها و مایوس نمودن امپریالیسم جهانی بسرگردنی آمریکا و برای نقش بر آب ساختن توطئه‌های ارتجاع منطقه و وحدت عمل همه نیروهای مردمی طرفدار انقلاب ضروری است. باید از توده‌های میلیونی مردم از سازمان‌ها و احزاب انقلابی

خود را با سرنوشت انقلاب به هم گره زدند و خواستار قاطعیت در برچیدن بساط بزرگ مالکی و کلان سرمایه داری به نفع توده‌های میلیونی دهقان و کارگر و خواستار شرکت دادن عملی کلیه نیروهای مردمی در دفاع از انقلاب و در تعمیق و پیشبرد آن هستیم. باید آگاهانه و متحداً انقلاب کسوف نشینان و مستضعفین را در جهت تأمین منافع واقعی آنها عمق بخشیم انقلابی کهدر خدمت توده‌های زحمتکش باشد همیشه

خود را با سرنوشت انقلاب به هم گره زدند و خواستار قاطعیت در برچیدن بساط بزرگ مالکی و کلان سرمایه داری به نفع توده‌های میلیونی دهقان و کارگر و خواستار شرکت دادن عملی کلیه نیروهای مردمی در دفاع از انقلاب و در تعمیق و پیشبرد آن هستیم. باید آگاهانه و متحداً انقلاب کسوف نشینان و مستضعفین را در جهت تأمین منافع واقعی آنها عمق بخشیم انقلابی کهدر خدمت توده‌های زحمتکش باشد همیشه

خود را با سرنوشت انقلاب به هم گره زدند و خواستار قاطعیت در برچیدن بساط بزرگ مالکی و کلان سرمایه داری به نفع توده‌های میلیونی دهقان و کارگر و خواستار شرکت دادن عملی کلیه نیروهای مردمی در دفاع از انقلاب و در تعمیق و پیشبرد آن هستیم. باید آگاهانه و متحداً انقلاب کسوف نشینان و مستضعفین را در جهت تأمین منافع واقعی آنها عمق بخشیم انقلابی کهدر خدمت توده‌های زحمتکش باشد همیشه

اروپایانگران است

اروپایانگران است و این نگرانی بی پایه نیست. اوضاع جهانی بشدت بحرانی است و هر بحرانی خواه ناخواه بزرگترین تاثیر خود را در اروپا بجای می گذارد. هنگامیکه در ده گذشته سیاست تشنج زدائی در اروپا، در اثر پافشاری کشورهای سوسیالیستی و در واقع بینانه برخی از سیاستمداران دور اندیش اروپای غربی برای مدتی نه چندان دراز به کرسی نشست، خلقهای اروپا بالاخره نفس راحتی کشیدند و امیدوار بودند که بدین اروپا به صحنه جنگ مبدل نخواهد شد. اینک این امیدواری به نگرانی بدل می شود. در دوران کوتاهی که سیاست تشنج زدائی در اروپا حاکم بود، اقتصاد کشور-های اروپای غربی رشد قابل ملاحظه ای یافت. بیکاری تا حدودی کاهش پذیرفت. بازگشت به دوران "جنگ سرد" دورنمای تیره ای در برابر چشم زحمتکشان اروپایی گشاید. نارضایتی از سیاست ماجراجویانه ای که مقامات حاکم کشورهای اروپای غربی، به پیروی از امریالیسم آمریکادار پیش گرفته اند، هر روز ابعاد گسترده تری می یابد. نه تنها زحمتکشان، بلکه همچنین بخشی از محافل دینفون اقتصادی و سیاسی کشورهای اروپای غربی درک می کنند که سیاست ماجراجویانه رهبری کنونی آمریکانه تنها علیه دنیای سوسیالیسم و جنبشهای آزاد ییخش ملی نیست، بلکه انحصارات آمریکائی، با علم کردن "خطر شوروی" می خواهد تسلط خود را بر اروپای غربی نیز تحکیم کند.

کشورهای اروپای غربی، بویژه جمهوری فدرال آلمان و فرانسه که در بازار مشترک اروپا نقش فائق دارند، حاضر نیستند از سیاست ماجراجویانه ریکان بچون و چرا پیروی کنند. جو اروپای غربی دیگر سیاست بازگشت به "جنگ سرد" را به آسانی نمی پذیرد. سیاستمداران اروپای غربی در بین چکش و سندان گیر کرده اند. از یک سو سرمایه داری را همزله یک نظام اجتماعی و در برابر فشار جنبش کارگری اخلالی و انقلابیهای آزاد ییخش ملی در خطر می بینند، چیزی که ناگزیر آنها را به همکاری و همبستگی با امریالیسم آمریکا، مهمترین پایگاه سرمایه داری جهانی، وادار می سازد. از سوی دیگر پیروی از سیاست ماجراجویانه آمریکانه تنها موجب تشدید این فشار می گردد، بلکه می تواند هستی و موجودیت کشور-های آنان را در خطر نابودی قرار دهد، زیرا در یک جنگ هستمائی - موشکی که در اروپا درگیر (و جنگ آینده ناگزیر چنین جنگی خواهد بود) - غالب و مغلوب هرکس باشد (اگر بتواند در چنین جنگی از غالب و مغلوب نام برد) - بهر حال از کشورها و خلق-های اروپای غربی اثری برجای نخواهد ماند. استقرار ۵۷۲ موشک آمریکائی در خاک اروپای غربی، به بهانه رویارویی با برتری نظامی شوروی در اروپا، دورنمای مرگ اتنی را در چشم خلقهای اروپا زنده می کند. ایستادگی در برابر این سیاست ماجراجویانه موشک نشانی در اروپا چنان ابعاد گسترده ای یافته است که رهبران این کشورها نمی توانند آنرا نادیده بگیرند. در زیر این فشار روز افزون توده ها است که ویلی برانت رهبر حزب سوسیال دموکرات آلمان، حزب حاکم آلمان غربی، برای مذاکره با رهبران شوروی به مسکو سفر کرد.

تفسیر وقایع مهم جهان

صلح بزرگترین

مساله امروز جهان

سفر ویلی برانت رهبر حزب حاکم آلمان غربی به مسکو در محافل سیاسی جهان انعکاس وسیعی یافت. آلمان غربی در بین متحدان اروپائی آمریکا از موقعیت ویژه ای برخوردار است. آلمان فدرال تنها کشور بزرگ اروپائی هم مرز با کشورهای سوسیالیستی است که ناگزیر در جنگ آینده صحنه عملیات قرار خواهد گرفت. برآلمانی ها در جنگ گذشته ضایعتهای بسیاری وارد شده است. قسمت اعظم موشکهای که آمریکائی ها می خواهند در اروپای غربی مستقر کنند، در خاک جمهوری فدرال آلمان مستقر خواهد شد. هر قدر تعداد این موشکها زیادتر باشد، ضربات اتنی که بر آن کشور وارد می شود، نیز سنگین تر خواهد بود. مخالفت با استقرار موشکهای آمریکائی در سرزمین آلمان غربی واقعا مقیاس توده های بخود گرفته است. رهبری حزب حاکم جمهوری فدرال آلمان نمی تواند این روحیه را نادیده بگیرد. سیاست "دوگانه" رهبری حزب نامبرده در موافقت با استقرار موشکهای آمریکائی و مذاکره با اتحاد شوروی به منظور نجات سیاست تشنج زدائی، از این وضع سرچشمه می گیرد.

ویلی برانت در مسکو با لئونید برژنف رهبر شوروی ملاقات و گفتگو کرد. در مسکو به ویلی برانت درباره مسئله استقرار موشک های میان برد در اروپای غربی پاسخ صریح داده شد. لئونید برژنف گفت: "ما حفظ صلح را مهمترین وظیفه خود می دانیم. ما از همین فردا حاضریم مذاکره برای محدود کردن سابقه تسلیحات هستمائی را در اروپا آغاز کنیم. اتحاد شوروی آماده است استقرار موشکهای میان برد خود را در بخش اروپائی کشور، در همان روزی که مذاکرات در باره اصل موضوع آغاز می شود، متوقف سازد. به شرطی که ایالات متحده تعهد کند در جریان این مذاکرات بر تعداد موشک های میان برد خود در اروپا نخواهد افزود.

در دنیای کنونی، که جامعه بشری روی انباری از جنگ افزارهای هولناک نشسته است و یک گام غلط می تواند تمدن انسانی را از کره خاک برافکند، واقعا هم حفظ صلح بزرگترین مساله جهان است.

هیگ وزیر امور خارجه آمریکا، در یکی از سخنرانی های خود گفت:

"در جهان چیزهایی هست که از صلح بهترند!"

به عقیده هیگ برای رسیدن به آن چیز-های بهتر می توان صلح را زیر پا گذاشت. تمرکز ناوگان آمریکا در سواحل میهنمان نشان می دهد که آن چیزهای بهتر از صلح برای امریالیسم آمریکا چیست؟ برای یک دزد، جان انسان در برابر انگشتر یا قابله کرانها چاهمیتسی دارد؟ بهتر قالیچه است و بی اهمیت تر جان انسان. و تفاوت دزد و یک انسان شرافتمند نیز در همین اولویت هاست و نظام-های اجتماعی نیز.

چین دستیار آمریکا

سیاست "چیزهای بهتر از صلح" رهبران یکن راه دستیاران امریالیسم مبدل ساخته است.

بدنیال سفر هیگ به یکن، اعلام شد که طرفین درباره گسترش همکاری نظامی به توافق رسیدند. همکاری نظامی بر ضد که معلوم است که در وهله نخست بر ضد اتحاد شوروی، اما بهینیم که این همکاری بدینجا خاتمه نمی یابد. چین، علاوه بر بخش بزرگی از اراضی شوروی و هندوستان، مدعی مالکیت تمام منطقه جنوب شرقی آسیاست. نخستین نتایج نزدیکی رهبران یکن و آمریکا، که از چند سال پیش آغاز شد، حمله پرویتنام و مداخله در کامبوجیا و لاوس بود. طی سه ماه اخیر ارتش چین در مرز پرویتنام به هزار دستبرد و حمله و عملیات نظامی دست زده است. در هر جای جهان جنبشی ضد امریالیستی روی می دهد، بزرگی طلبان چینی عمال آمریکا و اسرائیل برای عقیم کردن آن جنبش همکاری می کنند. ما "تئوئیستها" جهان سوم را تیول خود می دانند. شیوه عمل آنها نیز توطئه و دسیسه برای منزوی کردن جنبش های انقلابی از کشورهای سوسیالیستی است. سیاست آنها در این جهت با سیاست امریالیست های آمریکائی همسوئی و تطابق می یابد. توافق حاصله بین دولت چین و آمریکا در مورد تبادل کردن اطلاعات جاسوسی، قبل از هر چیز برای ضربت زدن بخشهای انقلابی "جهان سوم" است. روزنامه های کشورمان اطلاع دادند که "پس از اخراج شاه سرویسهای ویژه (جاسوسی) چین در همکاری فعالانه با "سیا" اقدامهای خود را برای ضربه زدن به جنبش ضد امریالیستی در ایران و به راه انداختن تحریکات ضد شوروی هم آهنگ کرد.

هر چند در اعلامیه هایی که پس از سفر هیگ به یکن منتشر شد، آشکارا به این "همکاری فعالانه" اشاره ای نشده و دلیل آن نیز معلوم است، اما طرفین در مورد افغان-نستان بصراحت اعلام داشتند که "چین و ایالات متحده در مورد کمک به "مبارزان" افغانی بتوافق کامل رسیدند. قبلا نیز رهبران صریحا اعتراف کرده بودند که آمریکا به باند های ضد انقلابی افغانی سلاح می دهد. در افغانستان سلاح و در ایران بمب، هر کدام عملکرد خودشان را دارند و آنجا که سلاح و بمب چاره ساز نباشد، بمبهای سیاسی و دیپلماتیک بکار می افتند. نمی توان انکار کرد که در کاربرد اینگونه بمبها توطئهگران بریتانیائی از همکاری چینی و آمریکائی خود ما هترند. یکی از اینگونه بمبها آقای کارینتون، وزیر امور خارجه انگلستان، در هفته گذشته منفجر کرد، لیکن خوشبختانه به کسی آسیبی نرسید.

پیشنهاد کارینگتون

در مورد افغانستان

انگلیسی ها، که تجربه مفیدی در شرق

دارند و بویژه به اوضاع این منطقه (در اثر صد سال حکومت بر هندوستان و سایر کشورها) آشنا هستند، قبل از دیگران به این مسئله پی بردند که "مبارزان" افغانی، مانند تمام ضد انقلابیون دیگری که از کشور خویش رانده می شوند، هرگز شانس پیروزی و بازگشت نخواهند داشت. از ترور و خرابکاری چند گروه مزدور یا فریب خورده نیز به سوال چیزی عاید امریالیسم نخواهد شد. در دوران پس از انقلاب اکثر، انگلیسی ها همین گونه دسته ها را در ناحیه آسیای میانه صلح کردند و آنان را با زجه اهداف پلید خود قرار دادند. اما چند ماهی نگذشت که این دسته های مزدور و رنگی ریشه کن شدند. انقلاب در آسیای میانه پیروز شد و خلقهای این منطقه، که بلحاظ عقب ماندگی در وضعی شبیه افغانستان کنونی بودند، اکنون از برخی جهات، حتی از کشورهای پیشرفته اروپائی جلواتقاد دارند.

اوضاع در افغانستان بسرعت روبه ثبات می رود. هر چند خبرنگاری ها و رادپوهی های امریالیستی و در رأس آنها بی.بی.سی، هر روز شهری را به تصرف "مبارزان" افغانی در می آورند و گروهی را به آنان تسلیم می کنند، اما واقعیت آن است که حکومت انقلابی افغان-نستان توانسته است بر پیامدهای سو دوران رهبری حفیظ اله امین (بنی صدر افغانستان) غلبه کند، اطمینان توده های مردم و بویژه روحانیان میهن دوست را به خود جلب کند، ضد انقلابیون را منزوی کند و به دوران سازندگی پای نهد. پیروزی های چشمگیر افغانستان طی یکسال اخیر جای تردید باقی نمی گذارد که انقلاب در آن کشور برای همیشه پیروز شده است. افغانی های فریب خورده، و غیرممانعت شدند. پاکستان، دست به بسته بسته به کشور بازی کردند. در سال گذشته، ۴۰ هزار نفر تنها از پاکستان به میهن بازگشتند. حکومت افغانستان در هفتاد و نهمین روز از سال قبل است. در تمام زمینهای دیگر اقتصادی و اجتماعی نیز گامهای موثری برداشته شده است. در چنین شرایطی دیگر ضد انقلاب فاقد هر گونه دورنمای سیاسی است. این امریالیست ها و بخصوص زمامداران لندن نیز بخوبی می فهمند. بزودی مسئله های بنای "مسئله" افغانستان وجود نخواهد داشت. اما عرب هنوز امید زیادی به توطئه های خود در افغانستان بسته است. امریالیسم می خواهد از "مسئله افغانستان" برای ایجاد شکاف بین انقلاب ایران و اتحاد شوروی، برای تسلیح پاکستان، برای تیرش همکاری با چین بر ضد جنبشهای آزادی بخش ملی، برای تبلیغات درباره اسلام آمریکائی در دنیای عرب بهره برداری کند. از اینجا است که "مسئله افغانستان" باید همیشه وجود داشته باشد و تازه بناند. "ابتکار" کارکشتن، بعنوان رئیس ادواری "بازار مشترک اروپا" از این تلاش امریالیسم سرچشمه می گیرد.

خلاصه این پیشنهاد است که دولت-های دیگر بنشینند و درباره افغانستان تصمیم بگیرند و سپس در دوروم مذاکرات تصمیم خود را به افغانستان ابلاغ و در واقع تحمیل کنند. مسلم است که هیچ خلقی حاضر نیست به چنین رفتار توهین آمیزی تن در دهد. دولت افغانستان اعلام کرده است که اکثر امریالیست ها و همدستان دست از مداخله مسلحانه در امور داخلی افغان-نستان بردارند. مسئله ای به نام "مسئله" بقیه در صفحه ۱۱

کارنامه...

بقیه در صفحه ۱

بنی صدر هم البته این مقابله ناگزیر بود . بنی صدر که آشکارا می گفت : " من بزرگترین اندیشه جهان معاصر هستم " (اطلاعات هفتگی - ۱۰ تیر ۱۳۶۰) بدون کمترین شک هیچ نظری را نمی پذیرفت و هیچ اندیشه‌ای را باور نمی کرد ، مگر اینکه در چارچوب تفکرات بیمارگونه او باشد . از این رو بود که در عده - ترین مسائل سیاست خارجی و داخلی خط خویش را ، که آمیزهای از تفکرات مائوئیستی - لیبرالیستی (که هر دو یک آشخوردارند) بوده ، دنبال می کرد . این تفکرات با خط ضد امپریالیستی و مردمی امام خمینی همخوانی که نداشت سهل است ، با آن در تقابل و تضاد کامل بود .

بنی صدر ، که خود را تنها " مجتهد عالم عصر " می دانست (از سخنان حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی - نماز جمعه ۲ تیر ۶۰) در واقع حامل نوعی اندیشه مائوئیستی با رنگ اسلامی بود ، در مسائل مذهبی ، شرعی و فقهی هم بناگزیر در برابر خط امام خمینی قهرامی گرفت .

کتاب " تضاد و توحید " ، که بنی صدر آن را " بزرگترین اثر قرن " می داند ، و در واقع کوششی است برای تطبیق مسائل اسلامی با تفکرات مائوئیستی - لیبرالیستی ، در عمل نمی توانست در مقابل خط امام ، که دمی دم از خواست های توده های میلیونی خون تازه می گیرد و بیوسه روزه ژرفش دارد ، قرار نگیرد .

این تقابل در خط در اساسی ترین مطالب و در گره های ترین نقاط ، که سرنوشت انقلاب به آن مربوط بود ، بارها و بارها آشکار شد .

دشمن اصلی

در سیاست خارجی و شناخت دشمن اصلی نظریات امام خمینی ، قاطع و روشن بود . این جملات امام اکنون شهره عام و خاص است :

- همه گرفتاری های ما از آمریکا است .
- آمریکا دشمن اصلی و شماره یک مردم محروم جهان ، شیطان بزرگ قرن است .
- آمریکا هیچ غلطی نمی تواند بکند .
- همه تفنگها و قلمها را بسوی آمریکا نشان ببرید .

" و بزرگترین اندیشه جهان معاصر " ، در عوض بیوسه بر آن بود که نظریه مائوئیستی - امپریالیستی " سه جهان " را اثبات و در نتیجه آمریکا را بعنوان دشمن اصلی از زیر ضربه خارج کند . بنی صدر در تمام دوران ریاست جمهوری خود تنها یک بار - آری ، تنها یکبار - از امپریالیسم آمریکا بعنوان دشمن اصلی مردم ایران نام برد و آنهم در لایلی یکی از کارنامه های معروف رئیس جمهور ! اما در صاحبی ها ، سخنرانی ها - بهترین نمونه آن سخنرانی ۲۲ بهمن ۱۳۵۹ بود - و مقالات ، بنی صدر در طرح نظریه مائوئیستی - امپریالیستی " دو ابر قدرت " سخت پیگیر بود . به چند مورد از این سخنان (که شرح مفصل آن در جای خود خواهد آمد) توجه کنید :

" مساله خطر تصرف مناطق و حوزه های نفتی از سوی آمریکا بودننا بر این اطلاعات ، نوع تازه ای از تعادل (تبادل) توانمان دو ابر قدرت در منطقه به وجود خواهد آمد که اگر او بخواد این مناطق را تصرف کند ، ناگزیر باید " یک مابه ازای " به

رقیب خود بد هد :

(روزها به رئیس جمهور چگونه می گذرد ، جلد ۵ ، صفحه ۷۴) .
 - " ما و شما (مردم اروپا) نیازهای سیاسی گوناگون داریم ، ما نیاز به استقلال کامل داریم و شما نیز نیاز دارید که ابر قدرت ها حکم خود را بر شما تحمیل نکنند . بنابراین شما در همکاری با ما برای رها شدن از سلطه ابرقدرتها ... در واقع بسود خود و ما و همه عمل می کنید " (انقلاب اسلامی - ۷ آبان ۱۳۵۸) .

- " حال اگر بخواهیم موقع خود را در قبال دو ابر قدرت روشن کنیم ، باید مان گفت که در میان دو سنگ آسیابی قرار گرفته ایم که دیوانه وار در گردش هستند " (انقلاب اسلامی - ۲۲ اسفند ۱۳۵۹) .

- " آمدن اروپا به خاورمیانه به معنای استقلال خاورمیانه از نفوذ ابر قدرت ها است " (انقلاب اسلامی - ۲۵ شهریور ۱۳۵۹) .

- " دو ابر قدرت دشمن اصلی ما هستند " (کیهان - ۸ بهمن ۱۳۵۹) .

- " آب آمریکا و اروپا و ژاپن از یک جوی نخواهد رفت و من نه تنها نتیجه مطالبات خودم در اقامت طولانی ام در آن حدود ، آن معنار می گوید ، بلکه گفته من این است اگر مانقش فعالی در جهت استقلال داشته باشیم ، قطعاً تحولات سیاسی بزرگی در اروپا محتمل است " (انقلاب اسلامی - ۲۶ اردیبهشت ۱۳۶۰)

سیاست داخلی - اشغال جاسوخانه

این تقابل آشکار و دوخط در سیاست خارجی که ، بقول حجت الاسلام موسوی خوئینی ها ، سبب شد در طول ریاست جمهوری بنی صدر آمریکا آرام آرام از زیر ضربه خارج شود و شعار عمومی " مرگ بر آمریکا " فراموش گردد ، ضربه ای جدی به گسترش انقلاب ایران زد ، که با ممانعت از انتخاب وزیر امور خارجه به مدت ۹ ماه ، کامل شد .

در سیاست داخلی تقابل خط بنی صدر با خط امام از این هم آشکارتر است . از آنجا که در سیاست داخلی برخورد ها مشخص بود ، اکنون نگاه کوتاهی به گذشته نشان می دهد که این دو خط چگونه در تضاد کامل قرار داشته اند .

در زمان انتخاب بنی صدر به ریاست جمهوری ، فضای سیاسی ایران تحت تأثیر عمل انقلابی دانشجویان مسلمان پیرو خط امام و اشغال جاسوخانه آمریکا بود .

خط امام در این باره کاملاً آشکار بود . امام خمینی به صراحت گفته بودند :

" با گرفتن جاسوسها باید بدانند در ایران باز انقلاب است ، انقلابی بزرگتر از انقلاب اول " (۵۸/۸/۱۵) .

" دانشجویان مسلمان و مبارزی که لانه جاسوسی را اشغال کرده اند ، با عمل انقلابی خودشان ضربه ای بزرگ بر پیکر آمریکای جهانخوار وارد نمودند و ملت را سرفراز کردند " (۵۸/۱۲/۵) .

" الان مرکز فساد آمریکا را جوانها گرفتند . آمریکا آنها هم که در آنجا بودند گرفتند و این لانه فساد را بدست آوردند و آمریکا هم هیچ غلطی نمی تواند بکند " (۵۸/۸/۱۷) .

" جوانان ما با تمام قدرت توجه به توطئه ها داشته باشند تا این توطئه ها را از بین ببرند . امروز روزی نیست که ما بنشینیم و نگاه کنیم . امروز خیانت های زیر زمینی در کار است که در همین سفارتخانه طرح ریزی می شود و همماش از شیطان بزرگ آمریکا است " (۵۸/۸/۱۵) .

بنی صدر می گفت :

" با گرفتن گروگانها ما گروگان آمریکا شدیم " (انقلاب اسلامی - ۵۸/۸/۱۵) .
 - آخر شما بعنوان مردم از آنها بیبرسید مگر این مملکت دولت ندارد ، و مگر دولت امام نیست . اثر شما در خط امام هستی سعی کنید در چهارچوب همین دولت عمل کنید ، نه اینکه خودتان برای خودتان یک دولت در دولت باشید " (کیهان - ۵۸/۸/۱۷) .

" دانشجویان خود گامه عمل میکنند " (انقلاب اسلامی - ۵۸/۸/۲۰) .

بنی صدر با این اعتقادات ، اولین کاری را که بعد از انتخاب به ریاست جمهوری انجام داد ، کوشش برای آزاد کردن " گروگانهای جاسوس بود . او از جانی کوشید که درهما هنگی کامل با دستگاه های تبلیغاتی امپریالیستی و لیبرالها اشغال لانه جاسوسی را بی - اعتبار کند ، و از سوی دیگر دنبال زد و بند های با کاتر ، تمام سعی خود را بکار برد تا " گروگانها " می جاسوس را تحویل بگیرد . (شرح کامل مواضع بنی صدر در رساله " گروگانها بجای خود خواهد آمد) .

تقابل این دو خط به اینجا انجامید که بنی صدر گفت :
 - " اگر آمریکا علیه ما تبلیغ نکند ، ما شاید گروگانها را بدست دولت بگیریم ... " (انقلاب اسلامی - ۵۸/۹/۱۰) .
 و اما امام خمینی با فرمان زیرین ، علی - رغم بنی صدر مسأله را بسود انقلاب حل کردند :

" جاسوسان باید بدست دانشجویان باشند تا مجلس تکلیف آنها را روشن کند " (۵۹/۱/۱۳) .

نهادهای انقلابی

در مورد نهاد های انقلابی ، مواضع روشن امام خمینی بشرح زیرین است :

" من از سپاه پاسداران راضی هستم و بهیچوجه نظرم بر نمی گردد . اگر سپاه نبود ، کشور هم نبود . من سپاه پاسداران را گرامی می دارم و چشم من به شما پاسداران است . شما هیچ سابقهای جز سابقه اسلامی ندارید " .

اما بنی صدر نظرد دیگری داشت :
 - " در کجای دنیا سپاه بوجود می - آورند و بعد می آیند می گویند شما باید حکومت کنید ؟ وقتی نهادی برای مقصود معین ایجاد شد و بعد تبدیل به ابزار قدرت شد ، فساد بنیان گذاری شده است " (انقلاب اسلامی - ۵۹/۸/۹) .

" اگر از آن روز نخست زورمندی و قدرت طلسمی و این حسن تفوق و حاکمیت را در افراد بوجود نمی آوردیم ، خصوصاً در سپاهیان به وجود نمی آوردیم ، اینگونه عوارض را به بار نمی آورد و این چیزی است که ما نباید با آن مبارزه کنیم " (انقلاب اسلامی - ۵۹/۷/۳) .

امام خمینی درباره " دادگاه های انقلاب " اعتقاد داشتند :

" تمام دادگاه های انقلابی در سراسر مملکت باید بقدرت خود باقی بمانند . باید دادگاهها با همین قدرت باشند " (۱۳۵۹/۴/۳۰) .

و نظری بنی صدر این بود که :
 - این دادگاهها قرار نبود تا ابداً بماند و بصورت یک کابوس در پیاید و زندگسی آرام را از شما بگیرد " (انقلاب اسلامی - ۵۹/۴/۱۶) .

امام خمینی درباره کمیته های گفتند :
 - " تمام کمیته ها در سراسر مملکت باید بقدرت خود باقی بمانند " (۵۹/۴/۱۶) .
 ولی " بزرگترین اندیشه جهان معاصر "

نظرد دیگری داشت :
 - " در شهرها هر کس بساط جداگانه ای را گسترده است . آنها که باید امام را در رهبری یارو یاور می شدند و جامعرا آماده در دست گرفتن سرنوشت خویش می کردند ، خود به حاکمان جدید میل شد هاند . دادگاه های انقلاب عملاً در رهکاری دخالت می کنند ، کمیته ها نیز " (انقلاب اسلامی - ۵ آبان ۱۳۵۸) .

انزوای

وقتی لیبرالها بدنبال طرح مسأله " القاء ایدئولوژی " توسط همکار بنی صدر - غضنفر پور - به تبلیغات پیرامون " انزوای ایران " پرداختند ، بنی صدر هم با آنها همصدا شد و از جمله گفت :

" ما با این جنگ منزوی شده ایم . من علت بزرگ انزوای خودمان را همین امر می دانم و به گمان من انتقاد قاطع و ایستادن برای از بین بردن این امور اساسی ترین راه برای بیرون آمدن از انزوا است " (انقلاب اسلامی - ۱۷ آذر ۱۳۵۹) .

و امام خمینی می گفتند :
 " هیچ قدرتی نمی تواند یک ملت را منزوی کند ، گمان می کنند عدای که ما منزوی شده ایم بواسطه آمریکا . خیر آمریکا منزوی شده " (۱۳۵۹/۷/۲۶) .

کودتاچیان

بعد از کودتای آمریکائی نوزده امام خمینی فرمان دادند :

" تمام کودتاگران بحسب قرآن حکمشان قتل است . یک استثنا در آن نیست و هیچکس حق ندارد که یک کسی را عفو بکند یا کسی را سامحه به او بکند " (۲۸ تیر ۱۳۵۹) .

و بنی صدر این بار نه در حرف ، بلکه در عمل بیشتر از ... (افسر کودتای را آزاد کرد و برخی از آنها را به مشاغل حساس در ارتش بازگرداند .

تظاهرات به نفع قطب زاده

وقتی که در آبان ماه ۱۳۵۹ ، صادق قطب زاده دستگیر شد ، جریان وسیع ضد انقلابی در ایران علیه خط امام وارد مرحله تازه ای از مبارزه شد . در تهران و چند شهر دیگر افراد شناخته شده ای به راه پیمائی و ایجاد بلوا پرداختند . رهبرانقلاب درباره این راه پیمائی ها گفتند :

" من متأسف هستم که این طرح در قم دارد انجام می گیرد . اگر بازاری قم ، بازاری تهران با این حرف موافق است ، مصیبت بسیار است ، برای این که طرحشان پیاده شده ، و اگر بازاری تهران و قم با این موافق نیستند ، چطور صحبتی نکرده اند ... این طور نیست که یک دستمای که در تهران راه پیمائی می کنند ، در قم راه پیمائی میکنند ، اینها با اشخاص مخالف باشند . اینها آنها که کارکردان هستند ، نه آنهاست که بازی خورده هستند ، آنها دنبال این هستند که اسلام را از بین ببرند " (۱۳۵۹/۸/۲۶) .
 و بنی صدر گفت :

" من لقم مقاومت نشان دهید که تسلیم این بازی ها نمی شوید و مرد مقاومت گردند و نشان دهند که تسلیم این بازی ها نمی شوند . در تهران و قم و جاهای دیگر اعتراض کردند به این توقیف و اعتراضشان موثر واقع شد " (انقلاب اسلامی - ۵۹/۹/۴) .

مردم ماهمه وهمه از انقلاب حمایت می کنند ، ولی ماهنوز شرمگین هستیم ، زیرا هنوز سرمایه دارانی هستند که غارت می کنند . در بازار پولداران ، انحصارگران و رباخواران خون این مردم را می مکند و برای حفظ منافع خود به بعضی از گروه های سیاسی همچون جبهه ملی پناه می برند .

هفته گذشته در مجلس گفته شد

امپریالیسم آمریکا دشمن قسم خورده بشریت است و نابودی نهائی از آن اوست

مجلس شورای اسلامی ایران در هفته گذشته پنج جلسه علنی داشت . در این جلسات مواد طرح قانونی درباره فعالیت احزاب و جمعیت ها و انجمن های اسلامی و صنفی مورد بحث و بررسی قرار گرفت و با اصلاحاتی به تصویب رسید و نمایندگان به وزیر خارجه پیشنهادی - مهندس سید حسین موسوی - رای اعتماد دادند .

حسین موسوی برای تصدی وزارت امور خارجه از سوی نخست وزیر معرفی شد و پس از سخنان موافقین و مخالفین ، وزارت وی با ۱۲۶ رای موافق به تصویب رسید .

باگسترش انقلاب مرگ استثمارگران فرامیرسد

در دومین جلسه علنی مجلس ، که روز دوشنبه ۱۵ تیر ۶۰ تشکیل شد ، بحث برای تصویب مواد طرح قانونی درباره فعالیت احزاب و جمعیت ها و انجمن های اسلامی و صنفی ادامه یافت .

در این جلسه محمد تقی شاهرخسی ، نماینده مردم خرم آباد بعنوان اولین ناطق پیش از دستور ، طی سخنانی از جمله از مسئولان مملکتی خواست که با مسئولین در هر منطقه در تماس باشند و از دخالت افراد غیرمسئول در امور مملکتی جلوگیری به عمل آورند .

وی در بخش دیگری از سخنانش ، ضمن درخواست افزایش فعالیت دادگاه ها ، خواستار لغو قوانین طاغوتی دست و پا گیر از دادگستری شد .

ناطق در بخش دیگری از سخنان خود از مسئولان خواست که طوری عمل شود که " ما را متهم به خشونت و استبداد دینی نکنند " و اگر دشمنان مصرند در اتهام ، ماباقتار خود و رفتار خود و تبلیغات داخلی و خارجی ، همه را در جریان واقعیات قرار دهیم و نباید اندک ماسمی داریم از راه توسل به زور و خشونت وارد عمل نشویم و در صورتیکه راهی جز خشونت برای درهم کوبیدن خشونت نبود ، از آن استفاده می شود .

سید عباس میریوسفی ، نماینده مردم کنگاور ، یکی دیگر از ناطقین پیش از دستور این جلسه طی سخنانی ، ضمن محکوم کردن واقعه بمب گذاری دفتر مرکزی حزب جمهوری اسلامی خاطر نشان ساخت که :

" اگر این انقلاب گسترش پیدا کند و بتواند خودش را به توده های محروم نشان دهد و اهداف عالی خودش را نشان دهد ، آن روز است که مرگ استثمارگران مسلم خواهد شد ."

در این جلسه مواد ۹۸ ، ۹۹ ، ۱۰۰ ، ۱۰۱ ، ۱۰۲ ، ۱۰۳ و ۱۰۴ طرح قانونی درباره فعالیت احزاب و جمعیت ها و انجمن های اسلامی و صنفی به تصویب رسید ، در این جلسه همچنین ۹ لایحه از سوی دولت تقدیم مجلس شد .

آمریکا دشمن قسم خورده بشریت است

در سومین جلسه علنی مجلس نیز ، که روز سه شنبه ۱۶ تیر ۶۰ تشکیل شد ، بحث پیرامون مواد طرح قانونی درباره فعالیت احزاب و جمعیت ها و انجمن های سیاسی و صنفی ادامه یافت .

در این جلسه سید ابولفضل موسوی تبریزی ، نماینده مردم تبریز ، یکی از ناطقین پیش از دستور این جلسه بود که طی سخنان کوتاهی ، ضمن محکوم کردن واقعه بمب گذاری در دفتر مرکزی حزب جمهوری اسلامی آن راجع به هولناک و حساب شده از سوی

آمریکا خواند و گفت که این واقعه سنسند طرفداری عاملان آن از حقوق بشر است .

آنگاه لطیف صفری ، نماینده مردم اسلام آباد ، طی سخنانی خاطر نشان ساخت که : " آمریکای جهانخوار و ایدئولوژی داخلی که به واقع دشمنان قسم خورده بشریت هستند و با انقلاب ایران به زانو درآمده اند ، برای ادامه حیات ننگین خود راه انحراف و اخلال را علیه " مستضعفین " برگزید .

ناطق تحریک و حادثه آفرینی و حمایت از ضد انقلاب داخلی ، محاصره اقتصادی و جنگ تحمیلی رژیم صدام حسین را از جمله این اخلال های آمریکا در انقلاب دانست ، که پس از شکست همه آنها " استکبار جهانی ... به فکر ترمیم شخصیت ها افتاد ."

وی آنگاه گفت : " ای مزدوران آمریکائی ! نه شما و نه اربابان دیوسیرتتان هیچ غلطی نمی توانید بکنید ."

محمد رضا امین ناصری ، نماینده مردم آستانه اشرفیه ، یکی دیگر از ناطقین پیش از دستور این جلسه ، در بخش از سخنان خود ، ضمن محکوم کردن واقعه بمب گذاری در دفتر مرکزی حزب جمهوری اسلامی ، گفت :

" دشمن غدار تاریخی ما که در این برهه از زمان در جرثومه شیطان بزرگ آمریکای جهانخوار و گروهک های داخلی وابسته به آن چهره نموده است ، پس از آنکه ضعف و ذلت و زبونی خویش را در رویارویی با انقلاب اسلامی می بیند و به عیان مرگ خویش را درمی یابد ، دست به ترورهای کور و وحشیانه می زند که تنها در خور آدم - خوارهای چون اوست ."

در این جلسه همچنین آقایان امینی و عالی پور بعنوان ناطقین پیش از دستور سخنانی ایراد کردند .

منافات باروش انقلاب

در جلسه علنی روز سه شنبه مجلس ، هنگام بحث راجع به بند ط ماده ۱۷ طرح قانونی درباره فعالیت احزاب ، جمعیت ها و انجمن های سیاسی و صنفی ، که احزاب و ... را از تبلیغات ضد اسلامی و پخش کتب و نشریات مضله ، منع می کند ، حجت الاسلام مجتهد شبستری در مقام مخالفت با بخش دوم این بند ، طی سخنانی از جمله گفت :

" در کشوری که بحث آزاد راهم خواهان هستند و از رهبران انقلاب گرفته تا اشخاص دلسوز انقلاب می گویند که با کسانی که افکار غیراسلامی دارند ، حتی ماتریالیست ها و مارکسیست های ما خواهیم بحث کنیم و آنها می آیند در تلویزیون مباحثات را بیان میکنند و ضبط می شود و بنابراین است که اسلام با منطق برخورد می کند با غیراسلام البته منتهی توطئه های علی که ممنوعیت آنها در بند های قبلی این ماده ۱۷ به خوبی منظور شده است . . . اگر چه از نظر ما آن فکر مضلل است ، اثر آزاد هست ، اگر مجاز هست که از تلویزیون مملکت پخش شود ، قطعاً مجاز خواهد بود که کتاب های مربوط به آن هم در دسترس باشد و پخش شود ."

وی در ادامه سخنان خود خاطر نشان ساخت :

" آن مفهومی که در اذهان هست این است که هر کتاب غیراسلامی هرچیزی که فکر ماتریالیستی در آن باشد ، هرچیزی که فکر غیراسلامی یا منافی با اسلام در آن باشد ، یک چنین کتابی نباید پخش شود . این اصلاً با آن روشی که پس از پیروزی انقلاب ، مملکت مادر پیش گرفته و دم از بحث آزاد زده و عمل به این بحث آزاد کرده و گفته است که می خواهیم منطق داشته باشیم ، منافات دارد ."

در این جلسه مواد ۱۷ ، ۱۸ و ۱۹ این قانون به تصویب رسید .

در این جلسه همچنین مواد از طرح قانونی الحاق دادگاه های انقلاب اسلامی به دادگستری ، که بندهائی از آن مورد ایراد شورای نگهبان قرار گرفته بود ، مورد بحث و بررسی قرار گرفت و ماده ۲ آن پس از ارائه پیشنهاد های مختلف به تصویب رسید .

در چهارمین جلسه علنی مجلس که روز چهارشنبه ۱۷ تیر ۶۰ تشکیل شد مواد دیگر طرح قانونی درباره فعالیت احزاب و جمعیت ها و انجمن های سیاسی و صنفی مورد بحث و بررسی قرار گرفت .

نابودی نهائی از آن آمریکاست

اولین ناطق پیش از دستور این جلسه هنجنی ، نماینده مردم کرج ، طی سخنانی ، ضمن اشاره به حرکت انقلابی مردم ایران در مقابل استکبار جهانی ، آنرا حرکتی خواند که مبنای آن ، پیروزی بر مستکبران است .

وی در بخش دیگری از سخنان خود یاد آور شد که آمریکای جنایتکار باید بدانند با دست خودش و افرادی را که به توطئه و حرکت در مقابل انقلاب مافزارده کور خود راننده است و در آینده نزدیک باید نابود شود .

ناطق همچنین گفت : " برای رسیدن به پیروزی نهائی شهید می دهیم ، تکه تکه می شویم ، محاصره اقتصادی می شویم ، ویرانی ها را تحمل می کنیم ، زیرا یقین داریم که بعد از این مصیبت ها و گرفتاریها نابودی از آن آمریکاست ."

ناطق در بخش دیگری از سخنان خود خطاب به مردم کشورهای عربی گفت : " مانع شما برای پیروزی کامل بر صهیون - نیسم ، رهبرانی هستند که بر شما حکومت می کنند و آب به آسیاب آمریکا می ریزند . این ها (شاه حسین ، شاه حسن ، سادات) نمی گذارند ملت مسلمان بر صهیونیسم بین المللی پیروز شود ."

در این جلسه مواد ۱۲ ، ۱۳ ، ۱۴ ، ۱۵ ، ۱۶ طرح قانونی درباره فعالیت احزاب و ... به تصویب رسید . در پنجمین جلسه علنی مجلس شورای اسلامی ، که روز پنجشنبه ۱۸ تیر ۶۰ تشکیل شد ، کار بررسی طرح قانونی درباره فعالیت احزاب و ... به پایان رسید و این طرح با برخی تغییرات به تصویب رسید .

نهیضت آزادی امتحان خود را داده است

در این جلسه همچنین ابراهیم یزدی نماینده مردم تهران ، بعنوان اولین ناطق پیش از دستور این جلسه سخنانی ایراد کرد . ملازاده ، نماینده مردم کتاباد ، یکی از ناطقین پیش از دستور این جلسه بود ، که در آغاز سخنان خود ، با اشاره به اظهارات بقیه در صفحه ۶

تصمیم گیری های اقتصادی - اجتماعی . . .

بقیه از صفحه ۱

انقلاب سوم با ایراد ضربات سیاسی و نظامی مهمی به مواضع امپریالیسم، صدام تجاوزکار، ضد انقلاب داخلی و گروهک های وابسته به آن آغاز شده است. جنبه این ضربات وسیع و طیف آن گوناگون است.

۱- ضربات سیاسی - نظامی سه هفته اخیر را بر مواضع امپریالیسم و ضد انقلاب داخلی و گروهک های وابسته به آن را می توان در حوادث اساسی زیرین خلاصه کرد: - برکناری بنی صدر از فرماندهی کل قوا و سپس عزل او از ریاست جمهوری با اتکا به آراء قاطع مجلس شورای اسلامی و فرمان امام خمینی و حمایت بیدریغ توده ها،

۲- تشدید حملات نظامی در جنبه های جنگ علیه نیروهای تجاوزکار صدام در جنوب و غرب کشور و کسب پیروزی های مهم در این دوران که فرماندهی کل قوا بارهبر انقلاب است.

۳- ایراد ضربات جدی و اساسی به گروهک هایی که به جمهوری اسلامی ایران اعلان جنگ داده اند.

درست است که امپریالیسم و ضد انقلاب داخلی نیز، بویژه خود، با توسل به شیوه های تخریبی از جمله بمب گذاری و ترور، زیان های جدی وارد ساختند. بویژه حادثه انفجار در دفتر مرکزی حزب جمهوری اسلامی از فجایع بزرگ شمرده می شود، که با ابراز هوشیاری می توانست اجتناب پذیر باشد.

انقلاب داخلی می تواند این جنایت ها را حساب پیروزی خود بویستند. با این حال، جای کمترین شبهه نیست که در زور آزمائی های اخیر بین انقلاب و حاکمیت انقلابی به رهبری امام خمینی و تلاش های امپریالیستی و ضد انقلابی، پیروزی قطعی با جنبه نیرومند انقلاب بوده است. در وقایع هفته های اخیر شکست نیرومند فاشیستی به امپریالیسم و ضد انقلاب داخلی و همستان آنان وارد آمد.

امپریالیسم و ضد انقلاب داخلی خیانتهای زیادی در مورد مرحله کنونی زور آزمائی با انقلاب در سرداشتند. بویژه آنان تلاشهای زیادی برای برانگیختن جنگ داخلی و درهم ریختن مواضع داخلی ایران بکار برده بودند. با این وجود، انقلاب از این زور آزمائی تاریخی پیروز بیرون آمد، آری، امپریالیسم و ضد انقلاب داخلی و وابستگان به آنها در هفته های اخیر محصل شکست فاحش شدند. هرچیزمان بگذرد، نتایج این شکست آشکار تر خواهد شد.

نتایج بدست آمده از حوادث هفته های اخیر بدستی موجب خرسندی نیروهای طرفدار انقلاب است. برای تعمیق و گسترش

انقلاب است. این نتایج نیروهای انقلابی را نسبت به روند آتشی انقلاب ضد امپریالیستی و مردمی و تحکیم و تثبیت استقلال، آزادی و جمهوری اسلامی امیدوارتر می سازد. با این حال ساده اندیشی و اشتباه فاحش خواهد بود، اگر تصور کنیم که با کسب پیروزی های سیاسی و نظامی اخیر، با وجود اهمیت فوق العاده ای که دارند، پیروزی قطعی و نهائی انقلاب تأمین شده است. پیروزی های سیاسی و نظامی اخیر هر اندازه بزرگ و مهم باشند، مادام که به وسیله تحولات بنیادی اقتصادی، اجتماعی همراه نگردند، قادر به تأمین پیروزی قطعی و نهائی انقلاب نخواهند بود.

باید دانست که تحولات بنیادی اقتصادی - اجتماعی در جریان انقلاب اهمیتی بیش از پیروزی های سیاسی و نظامی دارد. تغییرات بنیادی اقتصادی اجتماعی در درون جامعه انقلابی ما، نه فقط کسب موفقیت های سیاسی - نظامی را تسهیل می نماید، بلکه ریشه پیدایش دشواری های ازین قبیل را از میان برمی دارد. به همین دلیل است که ما در همه انقلاب های پیروز در جهان، شاهد آن بوده و هستیم که پیروزی های سیاسی - نظامی وثیقه تحولات قاطع بنیادی و زیربنائی اقتصادی - اجتماعی قرار می گیرد و بنویه خود چنین تحولاتی به کسب پیروزی های جدید سیاسی، نظامی و فرهنگی و نظایر آن می انجامد.

کسب پیروزی های سیاسی - نظامی در مرحله کنونی انقلاب ضد امپریالیستی، مردمی و اسلامی بار دیگر با تمام نیرو ضرورت پرداختن به تحولات بنیادی اقتصادی - اجتماعی سریع و قاطع را ماضی می سازد. باید در نظر داشت که در دو سال و نیمه ای که از پیروزی انقلاب می گذرد متأسفانه از چنین فرصت هائی بدستی استفاده نشد. ماست. بخاطر داشته باشیم که اگر اکنون به تحولات بنیادی زیربنائی نپردازیم چه بسا فرصت بسیار مهمی را از دست بدهیم.

اما آن تحولات بنیادی و زیربنائی اقتصادی - اجتماعی که انقلاب ایران بیش از هر زمان دیگری نیازمند تصمیم گیری و اجرای آن است، بیش از آن در نظر توده های مردم انقلابی شناخته شده، که احتیاج به طرح و توضیح مجدد داشته باشد. در این زمینه، جای کمترین شبهه نیست که مردم زحمتکش روستائی و شهری ایران اجرای اصلاحات ارضی عمیق در دهه ملی کردن بازرگانی خارجی، تمرکز توزیع عمده داخلی در دست دولت و اجرای بدون وقفه اصول اقتصادی صوبه قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در رهنه -

استقلال عمده ترین هدف انقلاب ضد امپریالیستی، مردمی و اسلامی ایران است. در مقایسه با آزادی، که یکی دیگر از اهداف عمده انقلاب است، باید همواره به این نکته توجه داشت و توجه داد که بدون استقلال، آزادی ممکن نیست، با استقلال است که آزادی ممکن و قابل تحقق است.

هرگاه آمریکا (و یابکی دیگر از دولت های امپریالیستی) برکشوری مسلط گردد، طبعاً و قهراً ریشه آزادی را نیز در آن کشور خواهد زد. نظامی پلیسی - نظامی خشن در آن کشور برقرار خواهد ساخت.

این حقیقتی است که آنرا ما خود در دوران حکومت سلطنت مطلقه، پهلوی ها آزمودیم. این حقیقتی است که تمام خلقهای زیر سلطه امپریالیسم، بسرگردی آمریکا آزموده اند. هیچ کشوری در جهان یافت نمی شود که زیر سلطه دولت های امپریالیستی باشد، استقلال آن سلب شده باشد و در عین حال آزادی در آن باشد. با استقلال است که آزادی ممکن می گردد و نه برعکس.

اینکه لیبرالها، همصدا با ضد انقلاب، زیر شعار "آزادی" برای سازش با آمریکا، برای کردن جاده بازگشت آمریکا، به مبارزه پرداختند، در واقع برای زدن ریشه آزادی نیز دست بالا زدند. دولت "میانه رو و معقولی" که ریگان ها در آرزوی استقرار در ایران بدست لیبرالها هستند، چیزی نیست جز پلی برای استقرار یک حکومت نوع فاشیستی.

البته آزادی ها و حقوق مردمی که در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تبیین و تعیین و تصریح شده اند، یکی از بزرگترین دستاوردهای انقلاب شکوهمند خلق قهرمان ما است، که آنرا باید همچون مردم دیده حفظ کرد و با قاطعیت اجرا نمود، زیرا بدون این آزادی ها و حقوق مردمی رشد کشور ممکن نیست. ولی این بدان معنی نیست که آزادی مقدم و مرجع بر استقلال است، چرا که فقط به برکت استقلال، آزادی ها و حقوق

های مختلف را تحولات بنیادی اقتصادی می شمارند که هرچه زودتر باید به اجرا درآید. همچنین اقدام به ایجاد کار و پرداختن به تأمین نیازهای اساسی: مسکن، خوراک، پوشاک، بهداشت، درمان، آموزش و پرورش و تنظیم برنامه های اقتصادی کشور، بصورتی که علاوه بر تأمین شغلی و درآمد کافی برای افراد جامعه، فرصت و توان کافی برای خودسازی معنوی و سیاسی را در اختیار آنان بگذارد، از خواستها و تحولات بنیادی اجتماعی است که هرچه سریعتر باید از قوه به فعل درآید. جامعه انقلابی ایران، بویژه میلیونها و میلیونها مردم زحمتکش که سنگین ترین بار دفاع و حمایت از انقلاب، یعنی جانفشانی در راه انقلاب را

استقلال

مردمی قابل تحقق است.

پس بدون کم بهادادن به ارزش بزرگ آزادی ها و حقوق مردمی، که مایه رشد نیروی خلاقه خلق برای ساختمان ایرانی از هر جهت مترقی و پیشرفته به شمار می آیند، باید توجه داشت و توجه داد که هدف عمده مبارزه، محور اصلی مبارزه، مبارزه در راه استقلال نام و تمام، استقلال در همه عرصه های سیاسی، اقتصادی، نظامی، فرهنگی، و همه دیگر عرصه ها است.

استقلال یعنی قطع نفوذ امپریالیسم، قطع هرگونه وابستگی از امپریالیسم، که در اطلاعیه مورخ ۱۲ تیرماه ۱۳۶۰، در تمام، بدستی در این جمله فشرده، همه فهم و پر مضمون بیان شده است:

"استقلال یعنی قطع نفوذ کامل آمریکا و جهانخوار"

امپریالیسم آمریکا سرکرده امپریالیسم جهانی است. آمریکا توانکترین، حلیه کترین و غدارترین، تجاوزکترین، جنایتکترین و غارتکترین نیروی امپریالیستی جهان امروزی است. ما با چنین دشمنی درگیر نبرد سرنوشته ساز هستیم. ما بر اساس رهنمود امام خمینی "نباید فراموش کنیم که در جنگ با آمریکا هستیم، ما با چنین دشمنی، این جنگ قبل از پیروزی انقلاب جریان داشت، بعدت دو سال و نیمی که از نخستین مرحله پیروزی انقلاب (براندازی رژیم خونخوار و وطن فروش "آریامهری") می گذرد، بشدت و به صورت های مختلف، هم در جنبه خارجی و (در برابر فشارهای سیاسی و اقتصادی، تجاوز نظامی طبیسه، نهاجم نظامی صدام) و هم در جنبه داخلی (در برابر توطئه خوین باند فاسلود رکردستان، شورش "خلق مسلمانینیا" در تبریز، کودتای نوزده، انواع دیر بلواهای خوین، "خط برژنفسکی" لیبرال ها، توطئه بنی صدر، که پرچم - در تمام "تفاله های آمریکا" شد)

برعهده دارند، بایی صبری در انتظار چنین تحولات بنیادی هستند.

امپریالیسم و ضد انقلاب داخلی در جبهه های گوناگون، در مدت دو سال و نیم پس از پیروزی انقلاب، بطرق مختلف، انقلاب را از پرداختن به مسائل اساسی، که همان تحولات بنیادی اقتصادی - اجتماعی به سود توده های عظیم مردم زحمتکش باشد، بازداشتند. هدف عمده امپریالیسم و ضد انقلاب داخلی از این کار آنست که به مردم چنین وانمود کند که کویا انقلاب ضد امپریالیستی و مردمی و اسلامی کنونی قادر به برآوردن خواسته های واقعی آنان نیست، امپریالیسم و ضد انقلاب داخلی می خواهند با ایجاد عدم رضایت

ادامه داشته است و درآینده نیز برای مدت درازی ادامه خواهد داشت.

این جنگی است حیاتی و معناتی هدف این جنگ برای ما در جنبه خارجی، امروزه، در درجه اول شکستن تهاجم نظامی جنایتکارانه صدام، خنثی کردن و عقیم کردن توطئه های خارجی آمریکا و متحدان اوست. و در جنبه داخلی سرکوب شبکه ضد انقلاب متشکل و قطع ریشه های فاسد انحرافات داخلی است، که در اطلاعیه یاد شده در دفتر امام "انقلاب سوم" نامیده شده است.

این "انحرافات داخلی" همه مستقیم و غیر مستقیم، خواسته یا ناخواسته، دانسته یا ندانسته، آمریکائی و مرتبط با آمریکاست. خط سیاست داخلی این انحرافات داخلی "جنگال بر سر آزادی" بود، تا استقلال فراموش شود و در سیاست خارجی، چنانکه امام اشاره کردند، "خط این بود که آمریکا اصلاً منسی (فراموش) می کردند تا آمریکا منسی بشود. . . . خط این بود که این قضیه مرگ بر آمریکا منسی بشود" و بدین وسیله راه بازگشت آمریکا و باز پس گرفتن استقلال، که با انقلاب ۲۲ بهمن تحصیل شده، هموار کرد.

اینک با آغاز "انقلاب سوم"، آرایش نیروهای رزمده در جنبه انقلاب و نیروهای جنبه ضد انقلاب، بیش از هر زمان دیگر، مشخص شده است. این خود یک پیروزی است که "داخل" نیروهای انقلابی و ضد انقلابی از میان برداشته شده و می شود. عمده ترین هدف و عمده ترین محور مبارزه، یعنی استقلال و مبارزه در راه آن، بیش از هر زمان دیگر برجسته و مشخص شده است. به همین دلیل نیز می توان با اطمینان گفت که در این نبرد حیاتی و معناتی با آمریکا، جهانخوار، پیروزی خلق انقلابی قهرمان، به رهبری امام خمینی، قطعی است. با اطمینان می توان گفت که با پیروزی "انقلاب سوم" راه دستیابی به پیروزی قطعی و نهائی انقلاب هموار می شود.

در میان زحمتکشان نیروی آنان را وسیله اجرای هدفهای شوم خود در احیا تسلط مرگبار نظام استکباری و استعماری امپریالیستی گذشته بر جامعه ایران قرار دهند. انقلاب باید این حربه امپریالیسم و ضد انقلاب داخلی را بلا اثر سازد و با پرداختن به تصمیم گیری های اقتصادی - اجتماعی عمیق اعتماد راسخ توده ها را به جمهوری اسلامی ایران دوچندان نماید. امپریالیسم و ضد انقلاب داخلی و وابستگان رنگ برنگ آن فرصت های زیادی را برای اجرای تصمیمات بنیادی اقتصادی - اجتماعی، از دست انقلاب گرفتند. لیکن، بکوری چشم آنان انقلاب در روند خود مساعدترین شرایط پتیه در صفحه ۹

مردم قهرمان...

بقیه از صفحه ۳۰

بافراخواندن فوری واحد های بریتانیا از ایرلند شمالی هشتند. این عقیده در بیانات آنتونی دووود بن شخصیت برجسته حزب کارگر و لئوآپس نماینده این حزب در پارلمان چنین انعکاس یافته است: اکنون وقت آن است که به این واقعیت تلخ از عان کنیم که اولستر آخرین ستممره ماست. و درست به موقع است که به روند استعمارزائی تنس د همیم.

بازتاب بین المللی ترازوی اولستر و تمایل اکثریت مردم انگلیس در پایان بخشیدن به این بحران، کابینه محافظه کاران رابه تلاش برای سازش برانگیخته است. به شهادت رویدادها دیگر سیاست توسل به نیروی نظامی و ندیده گرفتن حقوق اقلیت کاتولیک آینده ندارد.

در پایان مه گذشته یک سخنگوی ارتش زیرزمینی، به خبرنگار خبرگزاری رویتر در بلغارستان اعلام داشت که ارتش جمهوریخواه ایرلند آتقد رسلح و نفر در اختیار دارد که اگر لازم باشد ده سال دیگر بجنگد.

با این همه خانم تاچر استفاده از کلوله های پلاستیکی و توسل به حربه زندان رابه سازش سیاسی ترجیح می دهد. زیرا همانطور که در لندن تأیید شد اعتراف به این که زندانیان لانگ کش جنایتکاران

حقوق عمومی نیستند، زندانیان سیاسی اند نه تنها باعث از دست رفتن آبسروی بریتانیا می شود که خود را در انظار جهانیان "دژ دموکراسی غربی" معرفی کرده بلکه حق جمعیت کاتولیک به مبارزه سیاسی برای وحدت دوباره اولستر با جمهوری ایرلند رابه رسمیت می شناسد. در عین حال این امر اعتراف به این واقعیت است که دوپلین درباره سایل ایرلند شمالی حرف خود را دارد و بطور غیر مستقیم تبعیض اجتماعی و اقتصادی کاتولیک هارا که طی دهها سال توسط محافظ دولتسی بلغارستان و لندن اعمال می شود، محکوم می کند.

هنگام دیدار مارگارت تاچر از بلغارستان، ارقام رسمی درباره تعداد بیکاران در اولستر منتشر شد. عده بیکاران برای جمعیت ۱/۵ میلیون نفری آن بیش از ۱۰۰ هزار نفر یعنی ۱۲/۶٪ جمعیت فعال است. بعلاوه، بیکاری میان کاتولیک ها دوبار بیش از پروتستان ها است. جوانان جوای کار بسیار زیادند. اکنون میست لندن در این باره می نویسد: "امراد سلح توسط جوانان بیکار مورد تعقیب و حمله قرار می گیرند، با وجود این، کابینه محافظه کاران در حالی که دائما از هزینه های رشد صنعت ملی و نیازهای اجتماعی می گاهند از صرف هزینه برای ساختمان سربازخانهها دریغ ندارند.

لندن توسعه حضور نظامی خود را در اولستر انکار می کند. منظور از این افکار معلوم است. آنها مدعی اند که از ۱۹۷۲ تعداد واحد های انگلیسی به نصف تقلیل یافته و از ۲۲ هزار به ۱۱ هزار سرباز و افسر کاهش یافته است. اما بقیه وزیر بریتانیائی امور ایرلند شمالی در همین مدت تعداد پلیس از ۴ هزار نفر به ۷ هزار نفر افزایش یافت. علاوه بر این واحدهای دفاعی اولستر که نقش کلکی دارند د برابر شده و از ۷۰۰ نفر به ۷۵۰۰ نفر رسیده است. باتوجه به ذخیره پلیس (۷۰۰ نفر) مجموع نفرات مسلح ایرلند شمالی امروز ۳۰ هزار نفر است.

چرا کابینه تاچر به حضور نظامی انگلیس در ایرلند شمالی ادامه می دهد و بر تعداد آن می افزاید. پیدا است که از همه وسایل برای مخفی نگاه داشتن هدف های استراتژیک این اقدام استفاده می شود. هفته نامه اکونومیست لندن در یک سرمقاله تحت عنوان "پلی بسوی ایرلند" مضمون آن را فاش کرده است. این هفته نامه از گرایش هایی که در دورن قدرت حاکمه لندن وجود دارد پرده برمی دارد. بنظر می رسد که تقسیم مصنوعی جزیره که به مردم ایرلند تحمیل شده دیری نخواهد پایید. از این روحا کمان لندن شروع به بررسی وحدت احتمالی دوباره این سرزمین براساس "پیوند جدید و تنگاتنگ" بریتانیا کرده اند.

این "پیوند تنگاتنگ" باید براساس برنامه حل سائله ایرلند شمالی که لندن آن را تدوین کرده تأمین شود. طبق این برنامه ساکنان اولستر عنوان شهروندی بریتانیا را حفظ خواهند کرد. یک شورای دائمی انگلیسی بوجود خواهد آمد که همه سایل سیاسی اعم از روابط خارجی تا اجرای قانون اساسی جدید راتحت کنترل خواهد داشت. این برنامه عضویت ایرلند را در سازمان پیمان آتلانتیک شمالی پیش بینی می کند. اکونومیست در این باره می نویسد: "بریتانیای کبیر نمی تواند جناح غربی خود را بخطراندازد. ایرلند باید مسئولیت های دفاع از تمام جزیره را محتملا در چارچوب پیمان دفاعی بریتانیا بکبیر برعهده گیرد. لندن با سود جستن از ترازوی اولستر به عنوان وسیله ای برای فشار بر دوپلین نه تنها تلاش می کند مواضع اقتصادی و سیاسی اش را در ایرلند شمالی تحکیم بخشد بلکه باز نفوذش را در همه جزیره توسعه دهد و حوزه جدیدی برای توسعه طلبی پیمان آتلانتیک فراهم آورد.

تاریخ به وضوح نشان می دهد که امیر یالیم بریتانیا طی قرن هابهمان حال تجاوز کر و خونخوار باقی مانده است. اگر در گذشته کلوله های سربی بکار می برد، امروز بهمان منظور از کلوله های پلاستیکی استفاده می کند. آری، اسلوب ها عوض می شوند، اما هدف ها تغییر نمی یابند.

طرح قانونی...

بررسی و تصویب " طرح قانونی فعالیت احزاب، جمعیت ها و انجمن های سیاسی و صنفی" فرصت مناسبی بود تا به این مهم جامه عمل بپوشانند و در شرایط یورش همه جانبه دشمن، همه امکانات را برای تجهیز نیروهای مدافع انقلاب و جمهوری اسلامی ایران و تأمین اتحاد آنها فراهم آورد.

چارچوب اصولی این طرح را قبل از بررسی آن در مجلس شورای اسلامی، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، رهنمود های صریح امام خمینی، تصویب نامه شورای عالی قضائی و اطلاعیه... امام های دادستان کل انقلاب اسلامی، معین ساخته و جوانب اصلی آنرا روشن کرده بودند. در واقع مجلس شورای اسلامی مصالح حاضر و آمارهای در اختیار داشت و به سهولت می توانست به تعابیر متفاوت و ای بسا شخصی و غیر مسئولانه از فعالیت " احزاب، جمعیت ها، انجمن های سیاسی و صنفی" پایان دهد و آزادی را برای مدافعان انقلاب و جمهوری اسلامی ایران - آن گونه که شایسته انقلاب ضد امپریالیستی و مردمی و اسلامی ایران است - تأمین و تضمین کند.

اما تا سقانه، برخی مواد در طرح قانونی مصوب مجلس شورای اسلامی - بویژه ماده ۱۶ - آنچنان مبهم و قابل تفسیر اند که به سادگی امکان سوء استفاده را برای محدود کردن فعالیت نیروها و احزاب مدافع انقلاب و جمهوری اسلامی ایران باقی می گذارند. اگر قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران اصل را بر آزادی گذارد و آنرا در چارچوب معین مصالح انقلاب قرار داده است، قانون مصوب از میان محدودیت ها و شروط گذار، مهم و قابل تفسیر، راه بسوی آزادی می کشاید و در واقع آزادی رابه امری فرعی بدل میسازد. این عوامل، به امر حیاتی وحدت نیروهای انقلابی در مبارزه علیه امپریالیسم آمریکا و ایادی داخلی آن، لطمه جدی می زند، به نفاق افکنان و تشنج فزاینده امکان می دهد تا در صفوف خلق تخم تفرقه بپاشند، و به دشمنان انقلاب، که زیر لوای "آزادی خواهی"

مجلس شورای اسلامی...

ابراهیم یزدی، که به عنوان اولین ناطق پیش از دستور این جلسه سخنانی ایراد کرده بود، گفت: " دوران نهضت آزادی سپری شده است، شما احضان خود را دادید، بگذارید د دیگران هم امتحان خود را بدهند. ناطق در بخش دیگری از سخنان خود با اشاره به وقایع اخیر در سطح کشور، یاد آور شد که خشونت مابه خاطر نفس خشونت نیست. ناطق آنگاه گفت:

" اعمال قدرت ما به خاطر اهداف مقدسی است که برای آن انقلاب کرده ایم... مابه خاطر تحقق عدالت فرهنگی، سیاسی و اجتماعی توده های مردم جهان مبارزه می کنیم."

در این جلسه همچنین حجت الاسلام خلخالی نماینده مردم قم، بعنوان ناطق پیش از دستور، در سخنان کوتاهی، ضمن اشاره به اعلام مواضع " نهضت آزادی" در ارتباط با وقایع اخیر، آنرا کلی گوئی خواند و یاد آور شد که در این اعلامیه هیچ اشارهای به این که این توطئه ها بدست چه کسانی صورت گرفته نشده است. ناطق سپس به حادثه بمب گذاری در دفتر مرکزی حزب جمهوری اسلامی اشاره کرد و گفت:

علیه انقلاب توطئه و تحریک می کنند، امکان می دهد، تا همچنان سلاح خویش را حفظ کنند.

برخی از مواد در طرح قانونی مصوب مجلس شورای اسلامی در مورد " فعالیت احزاب، جمعیت ها و انجمن های سیاسی و صنفی" با روح قانون اساسی و رهنمود های صریح امام خمینی، مغایر است و بدینجهت تأسف و نگرانی نیروهای انقلابی را برانگیخته است.

ما از شورای نگهبان قانون اساسی انتظار داریم که آن موادی از طرح مصوبه را که با قانون اساسی مغایرت دارد، مردود شمارد. بدون تردید اینکار به سود انقلاب است.

تصمیم گیری های...

ممکن را برای اجرای این تحولات بوجود آورد ماست. با تصمیم گیری های اقتصادی - اجتماعی در سطح انقلاب سوم، به انجام این تحولات بپردازیم و انقلاب عظیموشکو همند مردم ایران را بر سنگ خارای تثبیت قطعی و شکست ناپذیری متکی سازیم این است دربر اساسی که باید از وقایع اخیر گرفته شود.

" این توطئه نبود، یک کودتا بود. ناطق آنگاه، ضمن اشاره به افزایش حملات آمریکا و رسانه های گروهی غربی علیه انقلاب، خاطر نشان ساخت که مردم باید برای مقابله با این حملات، یکپارچه در انتخابات شرکت کنند.

آنگاه مجلس وارد دستور شد. در این جا اعتبارنامه سید هادی حسینی خامنه ای، نماینده مردم فریمان مطرح شد و مورد تصویب نمایندگان قرار گرفت. سپس مجلس کار خود را در زمینه بحث و بررسی مواد دیگر طرح قانونی درباره فعالیت " احزاب و... " آغاز کرد. پس از بحث و ارائه پیشنهاد های مختلف در مورد مواد باقی مانده این طرح، ماده ۷ آن مورد تصویب قرارنگرفت و ماده ۲۱ این طرح از تصویب نمایندگان گذشت. در این جا پیشنهاد آیت در باره الحاق یک ماده دیگر به این طرح قانونی مطرح شد. این پیشنهاد، که احزاب و... را موظف می ساخت تعداد مشخصاً اعضا خود را به اطلاع کمیسیون ماده ۱۱ این طرح برسانند، پس از سخنان موافق و مخالف به رای گذاشته شد، که مورد تصویب قرارنگرفت.

آنگاه کل این طرح قانونی که اینک پس از تغییراتی در آن، به ۱۹ رای تقلیل یافته است، به رای گذاشته شد، که با ۱۱۱ رای به تصویب رسید.

در این جلسه همچنین طرح یک فوریت بودجه مطرح شد و پس از گزارش کمیسیون مربوط بحث در مورد آن به جلسه بعدی مجلس موکول شد.

۹۳ میلیون دلار کمک ریگان به ضد انقلابیون افغانستان

دولت ریگان ۲۱ میلیون دلار دیگر به ضد انقلابیون افغانی تخصیص داده است، که از خاک پاکستان به عملیات خرابکارانه علیه رژیم قانونی افغانستان دست می زنند. این خبر از سوی وزارت خارجه آمریکا پخش شد. بگزارش " یو. پی. آی"، در سال مالی کنونی کمک آمریکا به باصطلاح " پناهندگان افغانی" به ۹۳ میلیون دلار خواهد رسید.

آمریکائی ها در اردوگاه های مستقر در خاک پاکستان به آموزش مزدوران افغانی اشتغال دارند، که به کشتار زنان، کودکان و بیوران و دیگر اقدامات جنایتکارانه و تخریبی علیه مردم افغانستان مبادرت می ورزند.

پشتیبانی امپریالیسم

از بازماندگان خلق کش بول پوت

کشورهای هند و چین اندیشه برکناری به اصطلاح " کفرانس بین المللی" را در باره کامیوجیا رد کردند. وزیران خارجه ویتنام، لاوس و کامیوجیا، در اعلامیه ای مشترک، که بعنوان سند رسمی در سازمان ملل متحد پخش شد، یاد آور می کردند که چنین کفرانسی " نقض فاحش استقلال و حاکمیت جمهوری خلق کامیوجیا" و بمنزله پشتیبانی از بازماندگان رژیم خلق کش بول پوت خواهد بود.

در این اعلامیه آمده است که چنین کفرانسی تنها بسود برتری جویان چین و امپریالیست های آمریکا تمام خواهد شد.

درباره شوراهای ده و وظایف عمده آنها

به منظور پیشبرد سریع برنامه‌های اقتصادی - اجتماعی در سطح کشور و مشارکت فعال مردم در تعیین سرنوشت مین خویشتن، اصل شوراهای ده در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران منظور شده است.

روستاهای محروم میهنمان نیز نباید از این موهبت بی بهره بمانند و نمانند. تشکیل شوراهای ده جهت رسیدگی به مسائل مختلف تولیدی و معیشتی و عمرانی و حل معضلات روستائیان و کشاورزان تا بدان حد لازم بوده است که هم‌اکنون به حکم ضرورت، در نزدیک به بیست هزار روستا شورا تشکیل شده است، که البته همه در سطح یکسانی قرار ندارند.

شوراهای روستائی نقش بسزائی در بهسازی وضع نامساوان روستاهای کشور و سازمان دادن بهتر تولید و رفاه حال زحمتکشان روستا دارند. این شوراهای زمانی می‌توانند نقش مثبتی ایفا کنند که از اختیارات کافی و مقدرات مالی و فنی برخوردار باشند و بعنوان ارکان محلی حاکمیت انقلابی مردم در جمهوری اسلامی ایران، در راستای انقلاب و تأمین خواسته‌های روستائیان زحمتکش کام بردارند.

تلاش در راه پی‌ریزی نهاد انقلابی شورا

در روستاها

طبق آمار منتشر شده از سوی نهاد های انقلابی، هم‌اکنون از جانب هیئت های واگذاری زمین ۱۵۳۱۸ و جهاد سازندگی ۲۶۴۴ شورا در روستاهای مختلف تشکیل شده است. البته این تعداد نسبت به تعداد کل روستاهای کشور نزدیک به یک سوم را تشکیل می‌دهد و لازم است که از جانب مسئولین و بویژه نهاد های انقلابی نسبت به تشکیل شوراهای ده در همه روستاها همت به خرج داده شود، بویژه که اجرای وظایف اصلی این نهادها و بدون حضور و فعالیت و مشارکت آگاهانه شوراهای ده، اصولاً امکان پذیر نیست.

امروز این وظیفه سترگ بر دوش ارکان های دولتی، نهاد های انقلابی و در رجه اول خود زحمتکشان روستاست، که آستینها را بالا بزنند، دست در دست یکدیگر بدهند و شوراهای ده را آن دسته از روستا-هائی که فاقد این نهاد مهم هستند، پی-ریزی کنند.

ارکانهای دولتی و بخصوص نهاد های انقلابی، از جمله جهاد سازندگی و سپاه پاسداران و هیئت های واگذاری زمین، نباید در امور ایجاد شوراهای روستائی سامحه روان دارند. برعکس باید از تجربه مثبت و غنی خود بهره گیری کنند و هر چه جدی تر مردمی تریه دهقانان یاری دهند تا شورای ده را ایجاد کنند. این نهادها موظفند در جهت ایجاد شوراهای ده و همکاری بهیای لازم را با روستائیان میزول دارند و جنبه رسمی و قانونی به شورا بخشند و آن را با اختیارات کافی مجهز نمایند این مساعدت و همکاری نهاد رزمینه ایجاد شوراهای روستا - ها خلاصه نمی شود، بلکه لازمه تحقق بخشیدن به رشد و شکوفائی اقتصاد کشاورزی و رفاه حال روستائیان زحمتکش، تقویت و تحکیم دلسوزانه و پیگیری شورای تشکیل شده و نظارت و کوشش برای مردمی کردن شورا است.

نباید داشت عناصر طاغوتی و وابسته به ارباب و خان و واسطه در شورا راه یابند تجربه نشان می‌دهد که تنها بسنده کردن به ایجاد شورا در روستا گره چندانسی از مشکلات روستائیان نمی‌کشد و تأمین مشارکت فعال و آگاهانه توده های دهقان رزیر رهبری شورای ده، اصل اساسی حیات بخش و زندگی آفرین شورا است. اگر در چند مورد این امر بچشم می‌خورد که نهاد های انقلابی، نسبت به همکاری با شورای ده فلان روستایی توجیهی بخرج می‌دهند، در عوض صد ها مثال مثبت می‌توان ذکر کرد، که حاکی از حمایت موثر نهادها از شورای ده است. بی‌شک این همکاری باید متقابل باشد و روستائیان زحمتکش موظفند همکاری های لازم را با ارکان های متعهد دولتی و نهاد های انقلابی بکنند. چگونگی نحوه همکاری و کمک ارکانهای دولتی و نهاد های انقلابی، تنها به موارد کلی روشهای اصولی محدود نمی‌شود، بلکه در پیوند با خواسته های مبرم و معضلات روستائیان و مسائل معین و ویژه هر ده، بطور کاملاً مشخص و ملموس مطرح می‌گردد.

عمده وظایف شوراهای ده

در برابر شورای روستا و نمایندگان منتخب روستائیان وظایف مهم و پرشماری قرار دارد. شورا باید باتکیه به خواسته ها و شناخت های خود دهقانان، با دلسوزی و مسائل و مشکلات روستائیان زحمتکش را در عرصه های مختلف مورد پیگیری قرار دهد و در جهت گره کشائی این مشکلات با ارکان های دولتی و نهاد های انقلابی تماس بر قرار کند، از آنها سواد جوید و با انجام اقدامات مفید، دین خود را به روستائیان ادا نماید، و بویژه نقش اساسی خود را در سازماندهی توده دهقانان ده بخاطر اجرای برنامه ها و تحقق خواسته ها و رفع مشکلات ایفا کند.

شورای ده بعنوان یک نهاد انقلابی در میان زحمتکشان روستا شناخته شده است هرگونه اقدام درست و نادرست شورا، تأثیر عمیق مثبت و منفی در روستائیان از خود به جامی نذارد. پس شورای روستا باید در تمام عرصه های فعالیت خویش مسئولانه و با جدیت برخورد کند، خصالت مردمی خویش را عمیقاً حفظ کند، در راستای تحکیم انقلاب عمل کند و در هر گام به توده روستائیان متکی باشد.

بطور کلی، در حال حاضر، چهار مسئله عمده و مهم در برابر شوراهای ده قرار دارد، که شوراها موظفند نسبت به حل آنها اقدام کنند. این مسائل عبارتند از: - مسئله زمین و اجرای قانون واگذاری زمین یا اصلاحات ارضی بنیادی به سود دهقانان تهیدست، که بویژه از راه اجرای بند های "ج" و "د" قانون موجود می‌تواند حل شود و خود شالوده حل کلیه مسائل دیگر است.

- برطرف کردن مشکلات موجود در کار کشاورزی و امر تولید، - تأمین امکانات معیشتی، عمرانی، درمانی و فرهنگی برای روستائیان، - سرانجام فعالیت شورا در جنبه و پشت جبهه برای تحکیم جمهوری اسلامی ایران و تأمین استقلال مین انقلابی.

فعالیت شورا در زمینه مسئله زمین

قانون اصلاحات ارضی

در حال حاضر، دهقانان تهیدست، که معمولاً کلیه دهقانان بی زمین و کم زمین را با این نام می‌خوانند، جمعیت عظیمی در جامعه روستائی ایران محسوب میشوند. این توده عظیم در به ثمر رسانیدن انقلاب شرکت فعال داشتند و هم‌اکنون نیز، علی - رغم مشکلات و نارسانائی های موجود، علیرغم توقف اجرای بند های "ج" و "د"، که عمده ترین مسئله را تشکیل می‌دهد، در دفاع از دستاوردهای انقلاب مردانه پای می‌فشرند و در برابر درجبهه و پشت جبهه در سنکر و کشتزار جانبا زانه و خستکی نا - پذیرند آگاهی می‌کنند. نقش شوراهای ده

در این شرایط، در زمینه مسئله زمین و قانون اصلاحات ارضی، بسیار حساس و سنگین است. به غیر از تعیین دوشن نمایندگان دهقانان تهیدست در هیئت های واگذاری زمین، که چه بسا در موارد عده های این دو تن از جانب شورا برکننده شده اند یا از اعضای شورا هستند، وظایف دیگری نیز در این باره در برابر شوراهای ده قرار دارد که اهم آنها عبارتند از:

- همکاری تنگاتنگ با هیئت ها از طریق سرشماری تعداد دهقانان بی زمین و کم زمین، - تعیین مقدار زمینی که در اختیار دهقانان و بزرگ مالکان و دیگران قرار دارند، - کمک برای تعیین درست "عرف محل" آشنا ساختن دهقانان تهیدست و خرده مالک با قانون اصلاحات ارضی، - نشان دادن این واقعیت که قانون علیه بزرگ مالکان ستمگر و غاصب توجه است و روشنتری در زمینه ضرورت اقتصادی و سیاسی لغای بزرگ مالکی، - جلوگیری از تبلیغات و شایعات سموم ضد انقلاب، که سعی دارد میان دهقانان زحمتکش و خرده مالکان جدائی اندازد، و نشان دادن اینکه خرده مالکان نیز از اجرای قانون و از کوتاه شدن دست اربابان و خوانین و واسطه ها و سرمایه داران سود می‌برند، - خنثی کردن توطئه های بزرگ مالکان و ایادی شان، روحانی نمایان و لیبرالها، که در همین زمینه ها تبلیغات سوء می‌کنند و آتش نفاق و تشنج می‌افروزند بخوبی دیده می‌شود که وظایف پر شمار شوراهای روستائی در زمینه واگذاری زمین، دارای اهمیت فراوانی است و کوشش و پیگیری بسیاری را از شوراهای روستائی، برای تحقق این نکات می‌طلبد.

شوراهای روستائی باید نقش مفید و فعالی در بسیج دهقانان، جمع آوری طومار و ارسال نامه های دهقانان به مقامات مسئول جهت اجرای بند "ج" و "د" ایفا کنند و نیروی دهقانان را برای درهم شکستن مقاومت پلید بزرگ مالکان و برای سازمان دادن عملی اجرای قانون بسیج کنند.

برطرف کردن مشکلات موجود در کشاورزی و کمک به ازدیاد تولید

دهقانان زحمتکش در امور مختلف تولید کشاورزی - کاشت، داشت و برداشت با

مشکلات و کمبود های جدی مواجه هستند. در بسیاری از روستاها وسائل و ابزار کار کشاورزی موجود در دست دهقانان، همان ابزار آلات سنتی و قدیمی است. از آب زراعی و وسایل تولید کشاورزی گرفته تا کود، بذر، سم و سوخت ماشین آلات کشاورزی و غیره، همگی از احتیاجات و خواسته های مبرم و حیاتی کشاورزان است. شوراهای روستائی می‌توانند ضمن ارزیابی این مشکلات و تعیین اولویت های مشخص برای حل آنها در هر ناحیه، با مقامات مسئول، مانند ادارات کشاورزی استان و مراکز خدمات روستائی و جهاد سازندگی منطقه تماس دائم و پیگیر برقرار کنند و این خواسته ها و مشکلات را با آنها در میان بگذارند، تا نسبت به تأمین این وسائل و احتیاجات اقدام شود.

کمک به ایجاد تعاونی های تولید و چند منظوره، که بخشی از وظایف شوراهای روستائی را تشکیل می‌دهد، می‌تواند در زمینه عرضه خدمات تولیدی کشاورزی به کشاورزان و تأمین وسایل کار و کشت بسیار موثر باشد.

رشد تولید کشاورزی یکی از وظایف مهم مین می‌باشد و یکی از عرصه های نبرد جدی با امپریالیسم آمریکا و عامل آن است. باید با همت و پیگیری و کوشش اعضا شورا و باتکیه به بسیج توده دهقانان توسط شورای ده در این زمینه، فعالیت شمر بخش و کار ساز را سازمان داد و تا آنجا که ممکن است تولید و فرآورده های کشاورزی را در داخل کشور بیشتر کرد و به خود کفائی مقدر، که از حمل های استقلال اقتصادی است، نزدیک شد.

تأمین امکانات معیشتی عمرانی درمانی

و

فرهنگی برای روستائیان

وضع روستاهای میهنمان از نظر امکانات آموزشی، مسکن، بهداشتی، درمانی و فرهنگی، وخیم و تأسف بار است. این میراث شومی است که رژیم طاغوت از خود برجای گذاشته است. در بسیاری از روستا های مین ما از آب آشامیدنی سالم، حمام، برق، درمانگاه، مدرسه، کتابخانه، قرائت خانه، شرکت تعاونی، مسجد و مسالخانه و غیره هیچ خبری نیست. علاوه بر اینها، گرانی در روستاها پیدا می‌کند و واسطه ها و سلف خرها و ربا خوارها پوست از سر دهقانان زحمتکش ما می‌کنند. شوراهای ده وظیفه دارند که، ضمن همکاری بانهاد های انقلابی و ارکانهای دولتی، با زهم با ارزیابی امکانات و تعیین اولویت های مشخص هر مسئله، درصد حل تدریجی این مشکلات و کمبودها برآیند.

در زمینه گرانی و کمبود ما محتاج عمومی، شوراهای ده وظیفه دارند توده های روستائی را از نحوه کار شرکت های تعاونی صرف آگاه سازند و آنها را در ایجاد این گونه تعاونی ها که نقش بسزائی در توزیع عادلانه تر اوراق و کاهش قیمت ما محتاج عمومی دارند، تشویق کنند.

فعالیت شورا در جنبه و پشت جبهه

با آغاز تجاوز آمریکائی رژیم صدام، روستائیان زحمتکش در جبهه و پشت جبهه بانعام توان خود به دفاع از انقلاب و بقیه در صفحه ۱۲

جنگ را زیاد...

بقیه از صفحه ۱

انقلاب در منطقه گره خورده است. در این جنگ چهره آینده منطقه خاورمیانه ترسیم می شود. بیهوده نیست که همکاران خبیثه ضد انقلاب که بر پایگاه داخلی امپریالیسم - کلان سرمایه داران و بزرگ زمینداران - تکیه دارند و از جانب هارتین محافظ امپریالیستی هدایت می شوند، تمام نیروی خود را به کار گرفته اند تا از پایان جنگ به سود ایران انقلابی جلوگیری کنند.

ترفندی و وزخی است که سود آن تمام و کمال به حساب امپریالیسم، به سرکردگی آمریکا، و ارتجاع منطقه واریز خواهد شد. این ترفند را - چنان که تاکنون عمل شده است - باید با هشیاری خنثی کرد. نباید لحظه‌ای از جبهه‌های جنگ غافل شد. در کارتر د آرکات و در امر تبلیغات، همه نظرها باید به سوی سنترهای نبرد با متجاوزان صدامی باشد، چه اکنون این سنترها از مهم ترین جبهه‌های نبرد با آمریکا است. پیروزیهای هم که در جبهه‌ها به دست می آید، - از جمله، در این روزها، - تصرف نوسود و ارتفاعات مهم پیرامون آن، و ما این پیروزی را به جنگاوران عزیز، به ملت ایران و به حضرت امام خمینی تبریک می - گوئیم - هر یک ضربه‌ای است که صدام متجاوز و در نهایت، امپریالیسم و ارتجاع منطقه را به سقوط حتمی نزد یگرمی کند.

امپریالیسم خبری...

بقیه از صفحه ۴

کوچکترین وظیفه آنهاست - بلکه بطور عمده به جاسوسی و سازماندهی توطئه علیه جمهوری اسلامی ایران اشتغال دارند، که بسیار خطرناک تر از عملکرد نخست آنهاست. در گزارش "گروه تحقیق واحد بین المللی خبرگزاری پارس"، این عملکرد چنین بیان شده است:

"گروه وسیعی از مأموران اطلاعاتی سازمان‌های اطلاعاتی و جاسوسی کشورهای امپریالیستی از جمله "سیا" را خبرنگاران خارجی تشکیل می دهند. اطلاعیه روابط عمومی وزارت ارشاد اسلامی نیز در مورد تعطیل دفتر روتیر تصریح می کند که: "کارکنان و وابستگان (امپریا - لیسم خبری) ... در لباس خبرنگار به این کشورها (ملل مستضعف) سرزیر شده اند. بهمین دلیل اقدام وزارت ارشاد اسلامی در تعطیل این مرکز تحریک و توطئه و جاسوسی، ابعاد مثبت بسیار دارد، که طبیعتاً مورد تأیید کلیه نیروهای انقلابی و وفادار به انقلاب نیز هست.

اما آیا اقدام وزارت ارشاد اسلامی در تعطیل دفتر خبرگزاری‌های امپریالیستی، سایه شوم این کارکنان شیطان بزرگ را از مغز و اندیشه مردم کشور، یگلی دور ساخته است؟ آیا نقش مخرب امپریالیسم خبری پایان گرفته و زندگی، فرهنگ و به ویژه رسانه‌های خبری کشور، از نفوذ خطرناک آن رسته اند؟ پاسخ به این سوالات متأسفانه منفی است، زیرا امپریالیسم خبری تنها یک دفتر با گروهی کارکنان، که آنهم تنها رایبران فعالیت می کنند، نیست، بلکه سازمانی سراسری و جهانی است که هرروزه توسط تلکس‌ها و دستگاه‌های مخابراتی قدرتمند و هزارها خبرنگار، که زیر نظر سازمانهای جاسوسی امپریالیستی کار می کنند، و اقیانوس جهان - و نه فقط ایران - را در جهت ضایع خون آلود و غارتگرانه انحصارات بین المللی امپریالیست‌ها گروگون می کند، دروغ می سازد، تحریف می کند و به سراسر جهان مخابره می کند. امپریالیسم خبری حتی به حضور در کشور انقلابی که "اخبار" خود را در مورد آن منتشر می سازد نیز نیاز ندارد. دروغ ساختن بهیچوجه نیازی به تماس مستقیم با واقعیت ندارد.

بعنوان مثال کافیت به برخورد امپریالیسم خبری، رویدادهای کشورهای انقلابی همسایه ما افغانستان، نظری بیفکیم. در این کشور نیز "دفتر" خبرگزاری‌های امپریالیستی وابسته و جاسوسان آنها را اخراج کردند، اما هرروزه به نقل از "مسافران" مقامات مطلع و "مبارزان افغانی" دروغ - های امپریالیسم خبری در سراسر جهان و از جمله متأسفانه در نشریات و رسانه‌های گروهی کشور خود ما، منتشر می شود. انقلاب ایران نیز از این قاعده مستثنی نخواهد بود و "مسافران" و "مقامات مطلع" و "مبارزان گوناگون"، "اخبار" مورد نظر خبرگزاری‌های امپریالیستی را بداند خواهند رسانید.

اما سخن بر سر این نیست. سخن بر سر آنست که ما در رست در شرایطی که "دفتر" شیطان امپریالیسم خبری را تعطیل می کنیم

در همان حال از شناخت صحیح عملکرد و ماهیت این دستگاه دروغ توطئه و تحریک هنوز بدوریم. آیا زمانیکه دفتر روتیر را ایران تعطیل می شود، ولی در همان حال اخبار تلکس روتیر، یونایتد پرس، آسوشیتد پرس، و فرانس پرس بخش عمده اخبار رسانه‌های گروهی کشور ما را تشکیل می دهد، می توان از بیرون راندن امپریالیسم خبری سخن گفت؟ مگر امپریالیسم خبری و انحصارات جهانی امپریالیستی، تنها با انقلاب ایران خصوصاً دارند و تنها اخبار آن را جعل و تحریف می کنند؟

برای آنکه نشان دهیم چگونه مبارزه با امپریالیسم خبری، علیرغم تأکید و تصریح ضرورت آن، تنها در سطح باقی مانده است، به ذکر دو نمونه، که در مورد رسانه‌های خبری جمهوری اسلامی ایران، متأسفانه عمومیت دارند، اکتفا می کنیم:

روزنامه "صبح آزادگان" در شماره چهارشنبه ۱۷ تیر خود، که در آن خبر تعطیل خبرگزاری امپریالیستی روتیر را منتشر ساخته و اطلاعیه وزارت ارشاد اسلامی را در این مورد چاپ کرده است، ۲۲ خبر به نقل از منابع مختلف در مورد رویدادهای جهان دارد که ۶ خبر آن به نقل از روتیر است، ۷ خبر از خبرگزاری فرانسه، ۳ خبر از آسوشیتد پرس، یک خبر از یونایتد پرس و ۲ خبر از خبرگزاری‌های امپریالیستی (بدون نام) - یعنی ۸۶٪ اخبار خارجی از خبرگزاری‌های امپریالیستی اخذ شده است!

روزنامه "اطلاعات" نیز در شماره مورخ ۱۵ تیر خود، که عملکرد یک ماهه روتیر را منتشر ساخته است، ۸ خبر از رویدادهای خارجی دارد، که یک خبر از روتیر، ۴ خبر از خبرگزاری فرانسه، ۲ خبر از آسوشیتد پرس و یک خبر از یونایتد پرس، یعنی ۱۰۰٪ از منابع خبری امپریالیستی است!

با چنین برخوردی سخن از مبارزه با امپریالیسم خبری به میان آوردن، نمیتواند جدی باشد. باید توجه داشت که دنباله روی از اخبار خارجی خبرگزاری‌های امپریالیستی، زبانی کمتر از نشر اخبار این خبرگزاری‌ها در مورد ایران ندارد. در این "اخبار" دوست، دشمن و دشمن و دشمن، دوست جلوه گرمی شود. تحت تأثیر این اخبار قرار گرفتن، یعنی سوق دادن ایران به سوی انزوا، که مورد نظر امپریالیسم آمریکا و کارکنان داخلی آنست. انقلاب ضد امپریالیستی و مردمی و اسلامی ایران، که در جنگی بی‌امان، هم اقتصاد، هم سیاسی و هم فرهنگی با جبهه جهانی سرمایه درگیر است، باید بگونه‌ای ریشه‌های عمیق و جدی با توطئه‌گران تبلیغاتی این جبهه شیطان، روبرو شود و سطره فرهنگی و نفوذ خبری آنها را که در واقع زمینه ساز توطئه‌های سیاسی و نظامی امپریالیسم است، از ریشه برکند.

نمی توان، با امپریالیسم خبری مبارزه ای جدی انجام داد، ولی از دریچه چشم امپریالیسم خبری دنیا را دید و شناخت و نمی توان با امپریالیسم خبری مبارزه ای جدی کرد، ولی به جستجوی منابع مطمئن خبری، که با انقلاب ایران و مردم انقلابی جهان، همراه و همگام هستند و چهره امپریالیستی را افشا می کنند، برخاست.

این ضرورت انقلاب است.

با این تفاوت که ساواکها امروز نسبت به گروه‌ها تابعی رفتار می کنند. (صاحب با مجله آلمانی پروقیل - نقل از جمهوری اسلامی - ۲۸ اسفند ۱۳۵۹) (ادامه دارد)

مراجعه به سایر کشورهای عضو سیاست "بازار مشترک اروپا" را تعیین می کنند. این بار نیز وزیران خارجه این سه کشور رلندن جمع شدند و بر پیشنهاد کارینگتون مارک "بازار مشترک اروپا" زدند. کشورهای کوچک عضو "بازار مشترک اروپا" طبق معمول به غرولند اکتفا کردند. اما ایتالیا رسماً به این عمل متحدانش اعتراض و اعلام کرد که - همائی لندن حق نداشته است خود سرانه بدون جلب موافقت کشورهای عضو "بازار مشترک اروپا" پیشنهادی را به نام آنان مطرح کند. دولت ایتالیا در اعلامیه خود این کرد همائی را "زبان‌بخش و بیفایده" توصیف کرده است.

اما هیگ، بنام دولت آمریکا، از همان ابتدا پشتیبانی خود را از پیشنهاد سازنده کارینگتون اعلام داشت. خیمه شب بازی - های "بازار مشترک اروپا" که گویا در مسائل جهانی (از جمله مسئله فلسطین) موضع ستقلی اتخاذ می کند، همه از همین قبیل است و در آنها علی الاصول هیچ اختلاف جدی با آمریکا وجود ندارد و تنها تقسیم کاری است در چارچوب حفظ مواضع دنیای امپریالیسم، منتهی باشیوه‌ها و رنگهای دیگر.

اما خمینی می گفتند: "حالا از اموری تبلیغ می کنند و بین قشر - های مختلف پخش می کنند، این است که این انقلاب کاری نکرده است و این جمهوری اسلامی هم مثل رژیم شاهنشاهی است، یک اسمی عوض کرده است." (۲۷ بهمن ۵۹) و بزرگترین اندیشه جهان معاصر می گفت: "ما بعنوان حکومت اسلامی برای مردم چه ارمان آوردیم؟ کدام بیعتی از بین رفته است؟ کدام عدالت به کرسی نشسته است؟ کدام بیکاری و گرانی از بین رفته است؟ کدام عبادت به معنی واقعی کلمه آوردیم؟ کومعنویتی که آوردیم؟ پیر هم مادیت و هم معنویت دارد همان مسیر رژیم سابق را طی می کند و منزلت فرهنگی در جامعه ما در بسیاری جهات کمتر از رژیم سابق می باشد. باش نوع زندان و ضمان

تفسیر وقایع...

افغانستان "وجود نخواهد داشت. افغان - ستان آماده است که مستقیماً با همسایگان خود درباره بازگشت فراریان و تمام اختلافات موجود وارد مذاکره شود. اگر دولت های امپریالیستی و چین تمهید کنند که در امور داخلی افغانستان دخالت نخواهند کرد، دیگر ضرورتی برای ماندن ارتش شوروی در خاک آن کشور باقی نمی ماند و به محض رفع خطر، افغانستان را ترک خواهد نمود اتحاد شوروی بنوبه خود بازی سیاسی کارینگتون را محکوم و از موضع دولت افغانستان پشتیبانی کرده است. بمب صوتی کارینگتون، بدون آن که بتواند آسیبی برساند، خنثی شد. ولی البته همچنان باید در انتظار بمب های دیپلماتیک دیگری در حوال و حوش افغانستان بود.

در عین حال نحوه عمل کارینگتون در این مورد، در داخل برخی از کشورهای عضو بازار مشترک اروپا، با واکنش منفی و حتی اعتراض روبرو شد. سه کشور آلمان غربی، فرانسه و انگلستان، که کردانندگان اصلی "بازار مشترک اروپا" بشمار می آیند، در اغلب موارد، باز و بند در میان خودشان، بدون

کارنامه...

شیطان و امام خمینی گفتند: "هی نگویید من، بگوئید من، من، هر که گفت من، این من شیطان است. هر که گفت باید از من اطاعت کنید، این شیطان است." (۲۱/۶/۵۹) و بزرگ "من" داران زمان، پیوسته گفت: "من کودتاراکشف کردم... (۲۳/۶/۵۹) - "آمریکای داند من" چه می کنم و ریشه‌های وابستگی را می خشکانم." (۲۳/۶/۵۹) - "من بزرگترین اندیشه جهان معاصر هستم." (اطلاعات هفتگی - ۱۳۵۹) - "من کتاب تضاد و توحید خود را بزرگترین اثر قرن می دانم." (همانجا) و سرانجام تضاد در همه امور و خطی که منی صد ر می رفت سرانجام در همه ابعاد به تقابل و تضاد با خط امام برخاست.

وقایع مهم جهان در یک هفته

تصویب برنامه دولت جدید فرانسه

در پارلمان آن کشور

مجلس ملی "فرانسه با اکثریت آرا" برنامه دولت جدید آن کشور را تصویب کرد. در بخش اقتصادی - اجتماعی برنامه دولت ائتلافی سوسیالیستها - کمونیستها - مقلبه با بیکاری مقامی خاص دارد. دولت فرانسه همچنین قصد دارد به ملی کردن واحدهای اقتصادی بزرگ بپردازد. در زمینه سیاست خارجی و فرانسه "تعهدات خود را به "بیمن آتلانتیک" تأکید کرد. در برنامه دولت جدید فرانسه، از آمادگی آن کشور برای "ادامه دیالوگ با اتحاد شوروی دوستی سنتی" با این کشور سخن به میان آمده است.

کمک اتحاد شوروی

به ویتنام

میان اتحاد شوروی و ویتنام پروتکلی در زمینه هماهنگسازی برنامه‌های ملی دو کشور در سالهای ۸۵-۱۹۸۱ به تصویب رسید. در این پروتکل به کمک اتحاد شوروی به ویتنام در گستره تولید و سوخت و انرژی دیگر صنایع، ترابری و یازگانی تأکید شده است. اتحاد شوروی به واگذاری ماشین-آلات، تجهیزات، مواد خام و فرآورده‌های کشاورزی به ویتنام در ازای واردات فرآورده‌های مصرفی از این کشور ادامه خواهد داد.

درگذشت پنجمین زندانی "میز" بار دیگر به تظاهرات مردم ایرلند شمالی

علیه استعمارگران بریتانیایی انجامید

در ایرلند شمالی، در چند روز اخیر سه تن بر اثر شلیک کلوله‌های پلاستیکی جان خود را از دست دادند. آخرین قربانی موج جدید اختناق پسری پانزده ساله بود. پیش از این نیز یک زن سی ساله و نوجوانی دیگر به هلاکت رسیده بودند. نیروهای بریتانیایی در پی تظاهرات مردم ایرلند شمالی به پشتیبانی از خواست‌های زندانیان "میز" به سرکوب آنها پرداخته اند. مهم ترین خواست آنان کسب موقعیت زندانی سیاسی است. روز سه شنبه ۶ تیر، جوک دانالد، پنجمین زندانی سیاسی ایرلند شمالی بر اثر اعتصاب غذا درگذشت. در این میان، هفت مبارز دیگر به

اختصاب غذای خود ادامه می دهند. در کنفرانس مطبوعاتی، که در لندن به پشتیبانی از زندانیان ایرلند شمالی برگزار شد، ارنی رابرتز، یکی از نمایندگان "حزب کارگر"، گفت: "خودداری دولت بانوتا چرا از مصالحه به قربانی‌های جدید خواهد انجامید؟ در این کنفرانس مطبوعاتی، همچنین از ادامه سیاست استعمارگرانه بریتانیا در "آلستر" سخن به میان آمد. یکی از سخنگویان یادآور شد، که در ایرلند شمالی "تنهارشته" ای، که توسعه می یابد، زندان سازی است.

تاکنون ۲۶۰۰۰ نفر قربانی رژیم آمریکایی السالوادر شده‌اند

در السالوادور جسد ۶۶ نفر دیگر پیدا شده، که زیر شکنجه به هلاکت رسیده‌اند. بگفته خوشاوندان آنان، میهن پرستان السالوادوری قربانی وحشیگری اشرار راستگرا و همدست رژیم وابسته به آمریکا سان سالوادور گردید هاند تاکنون، ۲۶ هزار نفر قربانی اختناق رژیم در منش این کشور شده‌اند.

تظاهرات گسترده جوانان بریتانیا علیه بیکاری و خشونت پلیس

مبارزات کنونی جوانان عارتست از بیکاری گسترده، بی‌مه اجتماعی نازل و وضع توانفرسای مسکن. چنانکه از مصاحبه تلویزیونی مارثارت تاچر برمی آید، دولت بریتانیا حاضر نیست از سیاست "کنونی خود دست بردارد. در لیور پول، که روز جمعه ۱۲ تیر، ۶۶ ران ناآرامی‌های کنونی آغاز شد، ۶۰٪ اهالی مستعمرات سابق بریتانیا بیکارند. پلیس بریتانیا در رکیزی - های کنونی به استفاده از گاز سمی "اس.اس" دست زده است.

جوانان صورت گرفت. نیرو - های پلیس از دیگر نقاط کشور نیز به این مناطق اعزام و بسیاری از تظاهرات کنندگان دستگیر شده‌اند. در بحثی، که در این باره در پارلمان بریتانیا صورت گرفت بدین واقعیت اشاره کردید که، در این زمینه، سیاست اقتصادی - اجتماعی دولت "توری" و بیکاری بیسابقه در این کشور نقش مهمی را بازی می کند. بیکاری بویژه دستگیر جوانان و سیاه پوستان شده است. هنر زلی، یکی از نمایندگان "حزب کارگر"، گفت که: "علت

در بریتانیا، جوانان این کشور علیه بیکاری توده‌های، نبود مسکن و ایماح حقوق خود به اعتراضات گسترده دست زدند. برای نمونه، در منچستر پلیس با سنگ بجان اعتراض کنندگان افتاد. در این شهر بزرگ صنعتی، ۶۶ نفر دستگیر شدند، منچسترلی‌ها از رفت و آمد در خیابانها به هنگام شب منع گردید هاند. بدین ترتیب در منچستر عملاً مفرات منع عبور و مرور شبانه حکمفرما شد. در چندین بخش لندن نیز در رکیزی‌هایی میان پلیس و

شصتمین سالگرد انقلاب مردمی در مغولستان

بگفته یومزآگین تسدنبال، "جمهوری خلق مغولستان" همواره "در راه تحکیم هم پیمانی خود با اتحاد شوروی بود بیکر کشورهای سوسیالیستی کوشا خواهد بود. وی در مقاله "پیشگفته" اقدامات برتری جویانه و گسترش طلبانه "چین را محکوم ساخت، که هر چه بیشتر صلح را با خطر می اندازد."

روز شصتین سالگرد انقلاب مردمی در مغولستان بود. یومزآگین تسدنبال، رهبر جمهوری خلق مغولستان، در مقاله‌ای در "پراودا" (اتحاد شوروی) به پیشرفت های بزرگ کشور خود در روند ساختمان سوسیال-لیسم اشاره کرد. وی در این زمینه کمک های ارزنده اتحاد شوروی را یادآور گردید.

چشم انداز اقتصادی غرب تیره است

بر پایه گزارشی، که در پاریس از سوی "سازمان همکاری و توسعه اقتصادی" انتشار یافت، چشم انداز اقتصادی غرب بس تیره است. این گزارش پیش بینی می کند که شماره بیکاران در ۲۴ کشور سرمایه داری عضو این سازمان در پایان سال ۱۹۸۱ به ۲۶/۵ میلیون خواهد رسید.

درباره شوراهای ...

دستاوردهای گرانقدر آن برخاستند، تا جمهوری اسلامی ایران را از چنگال توطئه - های پیاپی آمریکا براهانند و آنرا تحکیم نمایند. تجربه نه ماهه اخیر نشان داد که چه در مناطق جنگ زده، و بویژه در نواحی مرزی خوزستان، و چه در سایر استانها که پشت جبهه را تشکیل می دهند، شوراهای ده نقش موثر و مهمی را در تجهیز دهقانان در بسیج جوانان ده، و اعزام داوطلبان، و در سازمان دادن و کمک مالی و جنسی به جبهه و بالاخره در سازمان دادن مقاومت فعال و موثر علیه دشمن متجاوز ایفا کرده‌اند. شوراهای روستائی در بسیاری موارد افراد داوطلب روستائی را جهت آموزش به سپاه پاسداران و بسیج مستضعفین معرفی کردند و ترتیب آموزش نظامی و تمرینات لازم را دادند. تا مقامات مسئول نسبت به فرستادن روستائیان به جبهه های جنگ اقدام نمایند.

کمک و تشویق روستائیان به تولید هر چه بیشتر محصولات کشاورزی برای مبارزه با توطئه‌های ضد انقلاب، که می کوشد با اعمال مخرب خود به کمبود مایحتاج عمومی دامن زند و دشمن را یاری رساند، یکی دیگر از وظائف مهم شوراهای ده در پشت جبهه است. روستائیان زحمتکش تا بحال کمک های مادی و معنوی فراوان به جبهه‌های جنگ کرده‌اند. شورا باید این امر را بطور منظم و دقیق ادامه دهد و همواره سعی کند بر مقدار این کمکها بیافزاید. پس از شکست قطعی صدام آمریکائی نیز این وظیفه در ابعاد و اشکال دیگری ادامه خواهد یافت. میهن انقلابی ما باید توطئه‌های امپریال-لیسم را در جبهه‌های متنوع نبرد در هم شکند و نقش روستائیان ما، چه در ارتش بیست میلیونی و چه در سنگرهای تولید و تقویت جمهوری، انکارناپذیر است.

دو نکته مهم درباره شوراهای ده

در خاتمه این بحث پیرامون وظائف بسیار مهم و حیاتی و واقعا انقلابی شورای ده، لزوم ضرورت رعایت دو نکته مهم را

از جانب روستائیان و شوراهای ده خاطر نشان سازیم. روستائیان زحمتکش باید در انتخاب نمایندگان شورا دقت بسیار به خرج دهند. روستائیان باید نمایندگانی را برای عضویت در شورا انتخاب کنند، که از میان خود آنها و در آشنا باشند و برای تأمین منافع حقه و مسلم آنها دلسوزانه و بیکیارانه تلاش کنند. روستائیان زحمتکش باید مراقب باشند، تا به سرنوشته روستائیان قطار توتی - سرا بچوق - آقبلاق رشد - حسن آباد لنگاه و شوند - در استان همدان - دچار نشوند. در روستاهای نامبرده مالکان و افراد طاغوتی و عضو حزب منحل رستاخیز (در روستای شوند) در شورای ده نفوذ کردند. به همین جهت لازم است دهقانان چهارچشمی مواظب این گونه افراد باشند. اما شوراهای روستائی موظفند، بنوبه خود، بیان و ثمره فعالیت ها و اقدامات - شان را مرتباً به دهقانان گزارش دهند و بازه مطلوب کار خود را به روستائیان توضیح دهند و از هر کار انجام شده برای

اتحاد مردم

ارگان اتحاد دمکراتیک مردم ایران
صاحب امتیاز و مدیر مسئول:
محمود اعتمادزاده (م. ا. به آذین)
آدرس: منطقه ۱۳ پستی - صندوق پستی ۳۱۴/۱۱۱۷

برای نبرد قاطع با امپریالیسم آمریکا و سرکوبی ضد انقلاب داخلی
متحد شویم!